

اصول سرمایه‌داری اقتصاد

حکم اول ۹۲، ۷، ۸

استاد بهرام شیری

خرد ← نگاه خرد، یک طرف، یک طرفه، یک واحد تولیدی

اقتصاد ← کل ← کل تولید، کل مصرف، درآمد، نرخ تورم، بیابانی، نرخ ارز، تراز پرداخت و ...

اگر ما رفتار فردی یک تولیدکننده یک مصرف‌کننده (بناگاه یا خانوار) را بررسی کنیم ← اقتصاد خرد

تولیدکننده ← بناگاه

مصرف‌کننده ← خانوار

اقتصاد خرد

در اقتصاد انفرادی تولیدکننده و یک مصرف‌کننده داشته باشیم، اقتصاد کامل است.

بناگاه نمائنده تولیدکننده است.

هر واحدی که نتواند تولید کند، بناگاه است. حتی می‌تواند کسی هم ایجا کار کند (یعنی فقط ماشین باشد).

در تعریف بناگاه تفاوتی بین ایران، جزیره یا ... وجود ندارد. و گشتاوری که تنها سیر می‌کند در جزیره

هر آنچه که مصرف‌کننده است در اقتصاد (خانوار نه در تورم اجتماعی) ← در بنیاد، مرزها

رشته خانوار چیست؟ مصرف‌کننده، خریدار، تخصص زینان (۸ ساعت کار، ۲۰ ساعت استراحت) ← تخصص

رشته بناگاه چیست؟ تولیدکننده، متعلق تولید، تحت تولید و هر اثر تولید مورد

بنیاد در ارتباط بین بناگاه و خانوار ضعف می‌شود ← رگور اقتصاد، مطالعات حقوق، بهی‌ها

قوی ← بدون اقتصاد، اکتلا عقل، انزالیس تولید، پیش‌تورم

Subject:

Year. Month. Date. ()

اقتصادی تولید اجتماعی بنیادها و خانوارها را جمع کنیم می شود حکمت اقتصاد یعنی اقتصاد کلان

سرمه تولید هر انسانی ۳۰۰۰ دلار هر زایی ۳۸۰۰۰ دلار هر لمار این ۳۷۰۰۰ دلار
(یعنی ما غیر انسانی به اندازه یک زایی کاری کند) (با در نظر گرفتن صادرات نفت!)

اقتصاد کلان در ارتباط با متغیرهای کلانی اقتصاد را کب می کند

اقتصاد چیست؟ زبان تجارت است. علم تخصصی منابع تولید به نیازهای نامحدود بشری. علم خبر
تولیدی کردن. علم تولید مطلوب را شن و حکم مصرف کردن...

حلب رقم ۹۲,۷,۱۵

حکمران اقتصاددان آن کسی است که بتواند رفتار یک پیر مرد یا سرباز را به مقصد خرید از نبرستان بیرون می آورند یا
مدلیزه کند. کار اقتصاد مدل کردن است.

محور فعالیت ها که اقتصاد را، نظام های اقتصاد را هستند.

بطور کلی در دنیا ۳ نوع نظام اقتصاد را وجود دارد: ۱) نظام اقتصاد آزاد - بازار: طبقه یوالات اقتصاد
توسط بازار پاسخ داده می شود. چه کالا تولید کنیم؟ چه مقدار از این کالا تولید کنیم؟ این کالا را چه کسی تولید کند؟
قیمت آن چه مقدار باید باشد؟ چه کسی آن را در یافت می کند؟ چگونه آن را توزیع کنیم؟ ...
بازار آزاد مفهوم معادل را از دست داده است. مثل بازارهای تجاری
بازار جهانی است. (نقطه ای است) در اینجا عرضه کننده و تقاضا کننده همگی را اطلاعات می کنند

بازارهای که من امروزه نیاز را خلق می کنند. نه اینکه این نیاز از قبل هم وجود داشته باشد.

۲) نظام اقتصاد دستوری: طبقه یوالات اقتصاد توسط دولت پاسخ داده می شود.

Subject: _____

Year: _____ Month: _____ Date: _____

تجهیز منابع و جذب سرمایه ← هزینه بر است برای بانک
 تخصیص منابع - اعطای تسهیلات ← درآموز است برای بانک

همه بازارها به یکباره منبسط نمی‌شوند. صرفاً با گذشتن از ابزارهای کنترل اقتصادی ملی این است که بتوانیم سودمندی را همین‌جا حفظ کنیم که پولهای سترگران را جذب کند. چون پولهای سترگران اقتصاد را احزاب می‌کنند.

فرهنگ‌های نظام اقتصادی روسی: لویا، مافی، نوه شای بدقی، شوروی سابق، چین سابق
 هر صبح حاکی از نابرابری خاص اقتصادی (شوروی) نظام
 نظام آزاد بازار *
 آمریکا، استرالیا، ژاپن

۱۳) نظام اقتصاد مختلط: برخی از سوالات اقتصادی توسط ما نیز در بازار و برخی دیگر توسط مکانیزم دولتی پاسخ داده می‌شوند. مثل اقتصاد ایران، هند، از کشورهای دنیا

۱۴) نظام اقتصاد سنتی: برخی از سوالات اقتصادی از طریق فرهنگ و آداب و رسوم پاسخ داده می‌شود. مثل فرهنگ هند، اندونزی، بلژیک، آلمان، در کشورهای دیگر

۱۵) نظام اقتصادی: انتظارات بر این است که دولت‌ها هزینه‌ها را کم کنند. افزایش می‌تواند

بازار، اندونزی، بلژیک، آلمان، در کشورهای دیگر

۹۲, ۷, ۲۲

آیا اقتصاد علم است؟ آقای دکتر حسن عظیمی از اساتید برجسته علم اقتصاد مقاله‌ای در این باره

عنوان "ماهیت و روش در علم اقتصاد" (نشر: دانشگاه انقلاب - شماره ۱۶، تابستان ۱۳۷۳ - شماره ۱۰، شماره ۱۰۲) ایشان در این مقاله تفاوت علم اقتصاد و علوم تجربی را تبیین کرده اند. در آخر هم نتیجه گیری کرده در علم اقتصاد، گفت و دو شیوار است.

علم اقتصاد با سایر علوم دیگر دارای برخی تفاوت‌هاست. خلاصه تفاوت‌هاستان به شرح زیر است:

- ۱) در علوم تجربی هر پدیده‌ای که بررسی می‌شود، اولاً پدیده در اختیار محقق است و وی در علم اقتصاد همین موضوع علمی را برای پدیده‌های اقتصادی نداریم. مثلاً نمی‌توانیم تورم را از جامعه منفک کنیم!

دو واقع پدیده اقتصادی از موضوع جامعه قابل انتقاد نیست.

- ۲) هر پدیده‌ای علوم تجربی را که می‌خواهیم بررسی کنیم یک آزمایشگاه قابل کنترل شده می‌تواند برایش تعریف کرد. مثلاً خلاصه می‌تواند در آن آزمایشگاه ایجاد کرد و می‌تواند اقتصاد این آزمایشگاه وجود ندارد و قابل ایجاد نیست.

- ۳) در علوم تجربی آزمایش‌ها روی محقق اثر می‌گذارد. مثلاً اگر پدیده‌ای (جسمی) در چه زمانی زود شود روی محقق اثر ندارد ولی در علوم اقتصادی پدیده‌ها روی محقق مؤثر است. مثلاً تورم روی محقق اثر دارد پس پدیده‌های اقتصادی با محقق رابطه دارد ولی پدیده‌های غیر اقتصادی هیچ ارتباطی با محقق از این دست ندارد. پس از تجربه‌های پدیده اقتصادی سیستمی بودن است. پدیده غیر اقتصادی را با تمام تجربه‌های علمی می‌توان منفک کرد و روش آزمایش کرد ولی پدیده‌های اقتصادی از اصحاح قابل انتقاد نیست. پدیده‌های اقتصادی، پدیده‌هایی بهم پیوسته و متعلق هستند.

پس به صورت کلی:

- ۱) در علوم تجربی (غیر از اقتصاد هر علمی) آزمایشگاه کنترل شده در اختیار محقق است. حال آنکه در علم اقتصاد این را صورت نظری ندارد و در علم اقتصاد این آزمایشگاه کنترل شده در اختیار اقتصاددان نیست. به عبارت دیگر نمی‌تواند ایشان را از جامعه جدا کرد.

- ۲) در سایر علوم تجربی به نحو بازی موضوع تحقیق از محقق مجزاست. در حالی که در علم اقتصاد محقق خود را در موضوعات تحقیق است و قابل تغییر موضوع تحقیق نیست.

- ۳) محقق در علم اقتصاد با مطلقاً واقعیت‌ها در یک سیستم پدیده فعال، برپا می‌یوسته در حال تغییر موجود است در حالی که در سایر علوم چنین ویژگی‌ای وجود ندارد. موضوعات عدداً نامشخص و غیر پدیده است. بنابراین تفاوت‌ها در سایر تفاوت‌های دیگر حوزه‌های بررسی علم اقتصاد دارای تجربه‌های خاص است. پس بطور کلی در علوم انسانی می‌توانیم علم را هنر توانان هست.

(Full Information)

اطلاعات کامل (۱)
۱۳, ۱۲

در اقتصاد خرد دو موردی داریم (۱) بر یک مصرف کننده (خانوار)

(۲) بر یک رفتار تولید کننده (ساز)

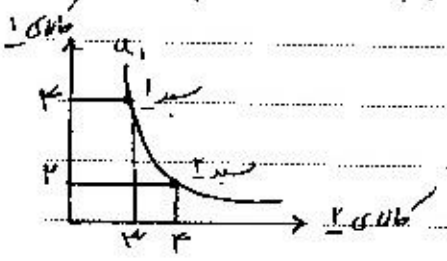
در موردی بر یک رفتار مصرف کننده (خانوار) (دو تا فرض دارد تقریباً یکم: ۱) اطلاعات کامل (Full Info): فرض بر این است که خانوارها اطلاعات کاملی از عناصر اقتصادی دارند مثلاً از کالاهای مختلف و در مصرف کالاهای مختلف، مطلوبیت کالاهای (البته در دنیا که واقعاً این فرض قابل پیش فرض نیست اما در اینجا اقتصاد پیرونیته شده است). (۲) رجحان: فرض دوم رجحان به ترجیح است. دو کالای a و b داریم مصرف کننده با a را بر b ترجیح میدهد ($a \succ b$) یا بر a ترجیح می دهد ($b \succ a$) یا با a نسبت به b بی تفاوت است ($a \sim b$)

البته نسبت این قضیه این نکته است که هر مصرف کننده ای عامل منطقی است.

تنها عامل رجحان قیمت نیست. عوامل دیگر هم تأثیر دارد بر ترجیح مثلاً سلیقه هم در انتخاب اثر دارد.

(قیمت، مورد مصرف، سلیقه و...) $a \succ b$ } $\Rightarrow a \succ c \Rightarrow b \succ c$ \Rightarrow a بر b ترجیح دارد

مفروضاتی که تفاوتی در مورد تفاوتی است به شکل زیر در نسبت به مبدأ محقق می شود



تعریف مبدأ: مفروضاتی که تفاوتی است در آن ترکیب کالاهای مختلف تشکیل شده که این سبدها نسبت به هم بی تفاوت هستند. یعنی برای مصرف کننده تفاوتی بین سبدا ۱ و ۲ وجود ندارد (مطلوبش برای مصرف کننده یکسان است).

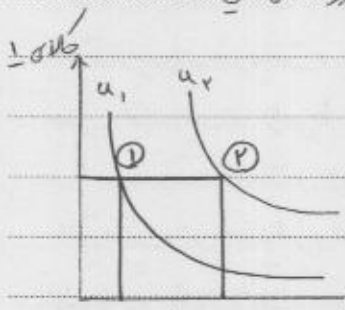
توان مطلوبیت: کیفیت که u را بر آن مصرف کننده فرض می کنند واحد مطلوبیت است $util$ است (مطلوبیت \rightarrow utility)

مطلوبت ایسا برای افراد Δ اتنا است.

| | مطلوبت هر واحد (مطلوبت نهایی) | مطلوبت مجموع |
|---------|-------------------------------|---------------------|
| ایسب ۱ | ۸ | ۸ اتنا |
| ایسب ۲ | ۳ | ۱۱ اتنا |
| ⋮ | ⋮ | ⋮ |
| ایسب ۵ | ۰ | اشباع \rightarrow |
| ⋮ | ⋮ | ⋮ |
| ایسب ۱۰ | -۱۰ | |

مطلوبت درآمد بالای کمتر $>$ مطلوبیت درآمد بالای بیشتر

حرفه‌روان بخشی به‌عنوان یک سبک است در مطلوبیت و رضایت خاطرش به‌تمام نقاط مصرف‌روان بخشی ملی است.

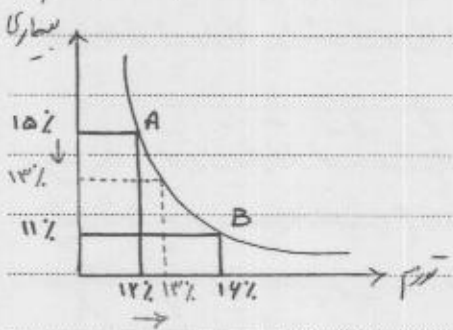


و نقاط ① و ② مطلوبیت مساوی ندارند. حرفه‌روان که روی u_2 نسبت حرفه‌روان که روی u_1 ترجیح است.

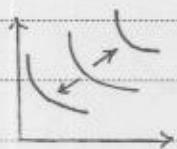
سعی افراد این است که اگر بخشی از ۲ ببرد و ۱ را نماند تحت عنوان درآمد محدود دارد. هدف صرف‌کننده هر کس به‌سازگاری

مطلوبت است و هدف به‌سازگاری سود است. محدودیت صرف‌کننده برای مطلوبیت بیشتر درآمد است.

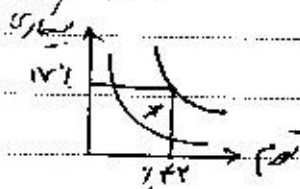
فرضی به‌تمام فلیس از استان رابطه‌ی بین بیطارک و تورم را بیان کرد. (در دنیا هر دو مفهوم هستند)



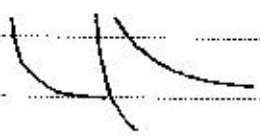
حرفه‌روان این است که در این نقطه optimum بیارند یعنی نقطه‌ی مطلوب تورم و بیطارک. ممکن است بیطارک کنیم بخشی شغلیت به بالا یا پایین داشته باشد



در دوران تورم ۱۴۲۱ استادی بیچاره هم زباله است. چرا؟ در واقع اقتصاد فکلی می‌تواند بخشی از تورم را با تورم ساختار دارکند. یعنی ساختار اقتصاد ما با بارها متفاوت است. این ممکن است معادله‌های فوقی به هم نخورد و شکل



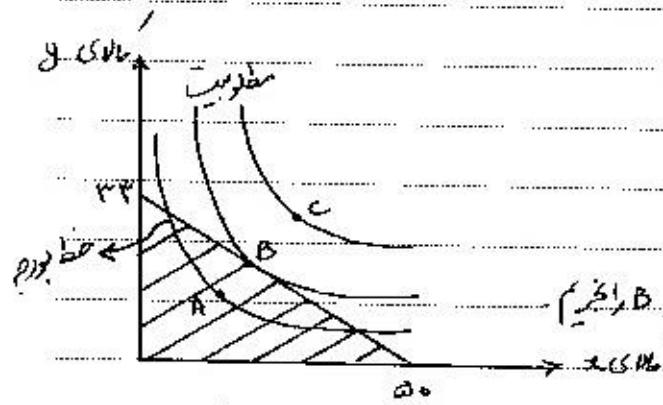
نالا شکل بگیرد در اقتصادهای شکل اینجور است. حرکت هموار در بالا و در پایین (در شکل مشخص و جابجا می‌تواند بر ساختار اقتصاد می‌تواند شکل جابجا جابجاها می‌تواند باشد.



خط بودجه: $M = P_x \cdot x + P_y \cdot y$

مثال: $P_x = 2$ $P_y = 3$ $M = 100$ در مورد $M = 100$ خط بودجه: $2x + 3y = 100$

$y = 0 \Rightarrow x = 50$
 $x = 0 \Rightarrow y = 33$



خط بودجه را منتهی انتخاب ما را مشخص می‌کند.

سید A می‌توانیم خریدیم سید B را هم می‌توانیم خریدیم
 سید B را می‌توانیم خریدیم
 من A و B، مطلوبیت B بیشتر است. این خط است B را خریدیم
 اگر تورم افزایش یابد سید C هم می‌توانیم خریدیم

اگر تورم کم یا بیشتری انتخاب کنیم، فواید و زیانهای خرید بین ما را جابجایی می‌کند. بر روی منحنی

مغالطه‌ی مطلوبیت، تورم به خط بودجه (در جای عادلانه است) که

ریاضی‌وار است و در خط بودجه برخی معادلات باشد. $\text{شیب خط بودجه} = \text{شیب منحنی مطلوبیت}$

۱) در تورم‌ها بخشی از تورم (۱) سبب تورم (مقیاس) داشته باشد

۲) بخشی از تورم‌ها با تورم‌ها همراه است و سبب تورم می‌تواند

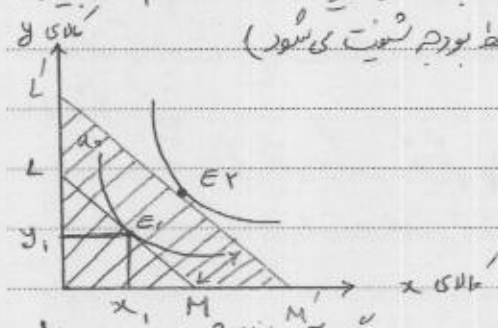
۳) نسبت به مقدار محصولات خرید است

کالای جانشین: با افزایش قیمت یکی، مصرف دیگری افزایش می‌یابد. مثل سیب و پرتقال
 کالای مکمل: با افزایش قیمت یکی، مصرف دیگری کاهش می‌یابد. مثل نود و چاک

جلد چهارم ۹۲، ۷، ۲۹

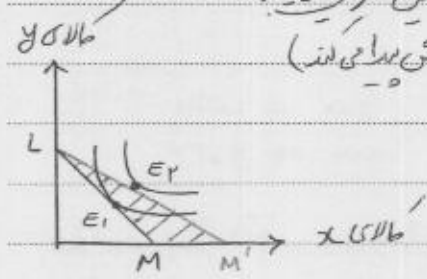
افزایش یا کاهش، افزایش و کسری

رفتار مصرف کننده: در راه راه مصرف کننده افزایش در آمد است. طبق شکل زیر، زمانه در نقطه E_1 به E_2 می‌تواند
 E_1 است. مطلوبیت در E_2 بیشتر است. (در اینجا خط بودجه شیب می‌شود)



نوعی انتقارات عملیاتی بود که افراد عملی رفتار می‌کنند.

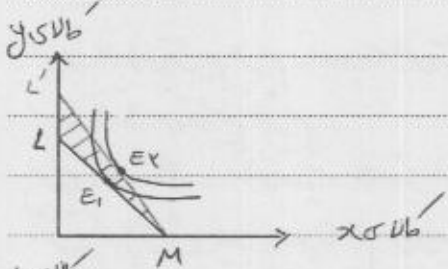
راه دوم: اگر قیمت X را کم کنیم (درآمد و کالای X ثابت است) با این میزان تقاضای افزایش می‌یابد.



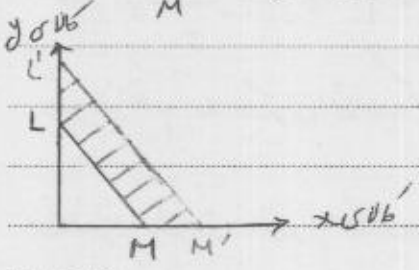
میزان زمانه مصرف کننده در E_2 افزایش یافته است.

توزیع درآمد در طبقه باید با طیار باشد نه بود.

هجرات به مردم یا ارائه بدیم یا به طیار؟ بسته به سطح زیر بنایی دارد.



اگر قیمت X را کم شود زمانه مصرف کننده افزایش می‌یابد.



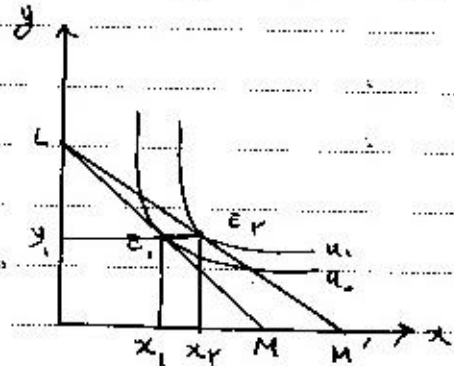
اگر قیمت X را کم شود هم اندازه و هم زمانه زمانه مصرف کننده افزایش می‌یابد.

اگر برای تولید آن مالکیت وضع کنیم آیا خودش را نشان می دهد؟ در یک قیمت بالا قیمت بالا افزایش می یابد
 با افزایش قیمت کالا خط بودجه با این می آید پس رفاه مردم کم می شود و در آن نشان کم می شود
 در واقع درآمد دولت بودی تولید مالیات است وضع کند با آن دولت کار کند که مردم کم شود در آن مردم می شود
 مردم مالیاتی است که توسط دولت به صورت نامرئی از جیب مردم اخذ می شود
 منبع اصلی مردم دولت است. بنابراین که دولت با آن بودی مردم از دست می دهد، خوب نیست پس مردم
 مردم توسط دولت عادلانه قابل کنترل است.

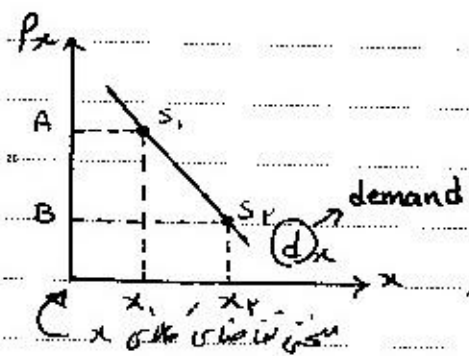
$$M = \text{درآمد} = t = \text{نرخ مالیاتی} \times M \times t = \text{مالیات}$$

چنانچه مردم درآمد مردم به صورت ایجاب زیاد شده پس مالیاتی که دولت می شود کم می شود

چنین ماهی قیمت ها نشان از ضرب بودن اقتصاد نیست. ماهی در شرایط بودجه بودی ماهی قیمت های بودی



$$\left. \begin{matrix} P_{x_1} = A \\ P_{x_2} = B \end{matrix} \right\} \begin{matrix} B < A \\ x_2 > x_1 \end{matrix}$$



معنی تقاضای طلای (x) اینست که با سبب نزدیک است نشان می دهد که اگر قیمت طلای کم شود میزان خرید تقاضا افزایش می یابد. همچنین هر دو قیمت تاکنون تقاضا

معنی تقاضا نشان می دهد پس قیمت و میزان تقاضا آن کالا رابطه عکس وجود دارد

معنی تقاضای بازار اینست که نشان دهنده کارایی قیمت با تقاضای آن کالا در بازار است. معنی تقاضای بازار از جمع اقراض تقاضای طلاها که تقویم است. جای آن شده به بیت می آید و نشان دهنده کار

رابطه بین متغیر قیمت کالا با مقدار تقاضای کالا است.
شیب منحنی بیانگر حساسیت تقاضا است.

کشن:

$$e = \frac{\frac{\Delta Q}{Q}}{\frac{\Delta P}{P}} = \frac{\text{درصد تغییرات تقاضا}}{\text{درصد تغییرات قیمت}}$$

کشن واحد $e=1$ کالا به کشن $e < 1$ کالا به کشن $e > 1$

مثال } اگر $e = 2$ باشد ← اگر با قیمت کالا زیاد شود، تقاضای آن ۲٪ هم می شود.
اگر $e = 0.7$ باشد ← " " " " " "
اگر $e = 1$ باشد ← " " " " " "

شیب منحنی تقاضا هرگز مثبت نمی شود.

در کشن واحد می گویند بازار کاملاً انعطاف پذیر است. با این حساب در مدیریت بازارهای می گویند قیمت در بازار کاملاً انعطاف پذیر است. در هر نقطه ای که کالا را می فروشند می گویند با کشن است. به کشن است یا کشن واحد دارد.

۹۲، ۸، ۱۴

دولت می تواند با توزیع رانت ها، استوارها را در جامعه جای کند.

$$e_m = \frac{\frac{\Delta Q}{Q}}{\frac{\Delta M}{M}} = \frac{\text{درصد تغییرات مقدار تقاضا}}{\text{درصد تغییرات درآمد فرد}}$$

را جامعه هم می توان استفاده کنیم

$e_m > 1$ → طلائی لولس
 $e_m < 1$ → طلائی نزول
 $e_m < 1$ → طلائی سست
 در مورد انبساط یا انقباض از انباشت تغییر می کند
 طلائی لولس ← اگر برآورد ما افزایش یابد بیشتر از افزایش درآمد مان، تضاد میان افزایش می یابد و برعکس
 طلائی نزول ← $e_m < 1$
 طلائی سست ← اگر درآمد مان، افزایش یابد، تضاد میان از این لحاظ کاهش می یابد و برعکس

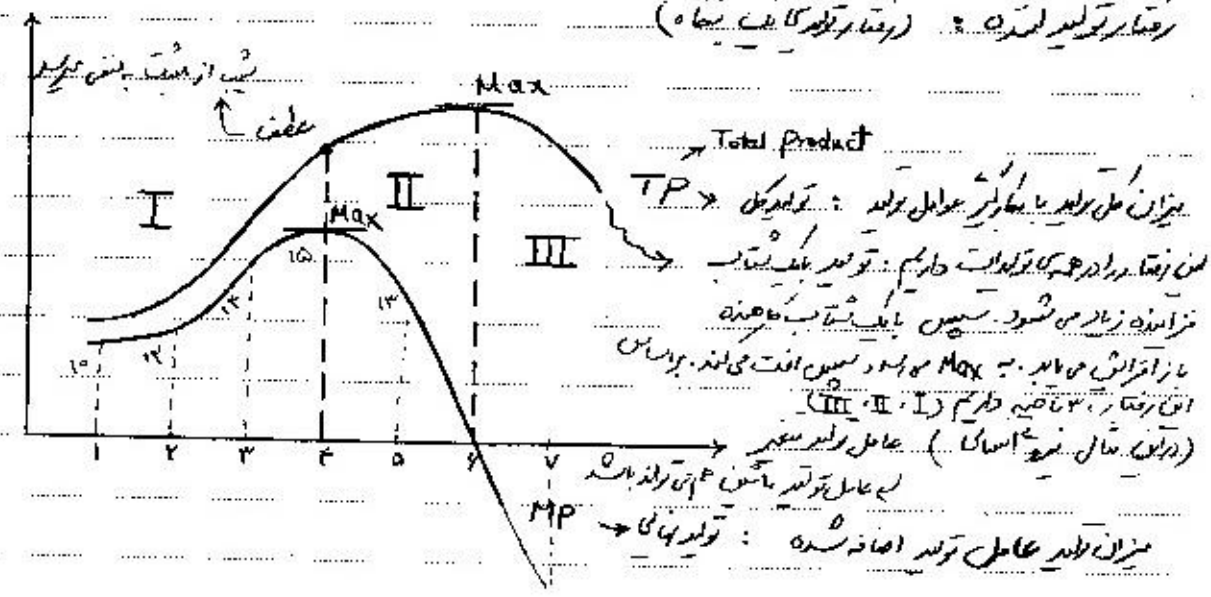
اگر یکی از ملاحظات در چنانچه بوده و هنوز تضاد میان افزایش یافته، نشان دهنده کاهش است که در مورد مردم کاهش مانده

درآمد به نوع اسمی (nominal) و واقعی (real) تقسیم می شود
 M → درآمد اسمی
 $\frac{M}{P}$ → درآمد واقعی
 سطح عمومی قیمت ها → معنی درآمد واقعی
 تغییر شده است

* درآمد واقعی هم تراشه و درآمد اسمی است

رفتار معروف شده: نهایتاً کاره‌زنده انتخاب است، انتخاب خرید است، انتخاب تخصیص بخش است.

رفتار تولید کننده: (رفتار تولید کارایی نگاه)



Subject:

Year. Month. Date. ()

مثال) با فشار در یک زمین ۵ هکتار کارکنند، میزان تولیدش ۱۵ تن است. اگر در همان زمین یک تنوکی کار
اضافه شود، میزان تولیدش ۳۵ تن می شود



در این مثال

عوامل تولید } ثابت است - زمین
- متغیر است - کارگر (نزوی انسانی)

*** برای سنجش نمودار (و ۳ زاویه مشخص شده) ، سه مرحله کا تولید وجود دارد :

۱) در مرحله اول میزان تولید با کارگری عوامل تولید اضافه با شتاب (ثابت) زیاد می شود
که مرحله ۱ ، مرحله اقتصاد کا منفی است. نباید در این مرحله توقف کرد

در این مرحله ، منحنی MP در حال صعود است.

در این مرحله نباید توقف کرد. باید عبور کرد. چون در این مرحله باقیم از نمودار بیشتر افزایش خواهد یافت. پس باید

نزوی کارگری جذب کنیم

(زنگار تولید کمتر ، باقیم در آن سود است ، پس تولید کمتر نباید در این مرحله توقف کند)

نزوی کارگر اضافه نمی کنیم ، تولید همان بیش از آن میزان زیاد می شود.

۲) فرض کنیم فراوان ۱۰ تن تولید دارد ، فرود آمد به تنهایی ۱۲ تن تولید دارد ، فرسوم ۱۴ تن ، فر چهارم ۱۵ تن
هر چه افزایش می کنیم ، افزایش شده تولید بیشتری دارد ، پس نباید در این مرحله باقیم اقتصاد کا ثابت به مرحله

عمری برسیم

۳) اگر نزوی کارگری جذب کنیم ، تولید همان بیشتری شود.

با عملاً در این ناحیه نمی بینیم. اقتصاد کا نیست. اگر باقیم بیشتر فرض کنیم از هزینه ها تولید بیشتر نظر
کردیم (دار باقیم) که یعنی قرات بیشتر کا جذب کنیم

وقتی تابع MP به میزان Max خود رسید با اضافه کردن نیروی کار تولیدش کاهش می یابد. شد کاهش می یابد
در واقع یعنی تولیدی تری می شود. در واقع اگر مثال کارگر زمین را در نظر بگیریم : با اضافه شدن کارگر
در یک زمین کار خود را انجام نمی دهد بلکه مزاحم کار زمین هم می شود. به این خاطر تولید نهایی توپنج کاهش
می یابد. توپنجم را سه و چهار می کنیم صحیح تولید ندارد! تولیدش صفر است. آنجا نقطه ای است که تولید نهایی را دارد

تولید Max است. هر چه بیشتر برای جبار داریم تولیدش بیشتر است. (در واقع مثلا ۳۰ تا تولیدش را هم میخورد)

۱۳) مرحله سوم هم اصلا استفاده نیست چون دلیل تولید کار جباری داریم تولیدش را هم میماند (جباری که حرفه‌ای تولید میماند، نه تنها تولیدش را هم میماند بلکه باعث کاهش تولید کل هم می‌شود)

* در مرحله سوم تولید جبار را هم میماند تولیدش بیشتر است؟ معنی است!

این اصلا مرحله سوم، استفاده نیست.

باید اجازه دهیم واحد تولیدی به مرحله سوم برسد.

(اعب واحد های تولیدی جباری که اول هستند)

۱۴) مرحله دوم، مرحله استفاده از تولید است. هر واحد تولیدی باید به مرحله سوم فعالیت کند. در این مرحله

تولید برای Max شروع می‌شود و به صفر می‌رسد. تولید کل از نقطه کلف به Max می‌رسد.

در هر نقطه از این راه می‌توانیم استفاده از تولید را کم کنیم. استفاده از تولید با مقیاس استفاده است.

از نقطه در این راه می‌توانیم هر واحد تولیدی (TC) Max می‌شود.

| | | |
|----|----|-----|
| ۱ | ۲۰ | |
| +۱ | ۳۵ | +۱۵ |
| ۲ | | |
| +۱ | ۴۵ | +۱۰ |
| ۳ | | |
| +۱ | ۴۴ | +۱ |
| ۴ | | |

با اضافه شدن هر چهارم، تولیدش بیشتر می‌شود (یعنی هر چهارم چیز تولیدش بیشتر می‌ماند و این است)

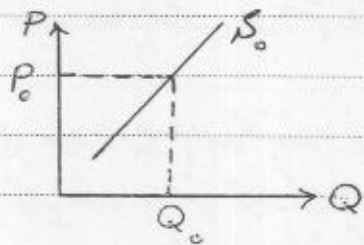
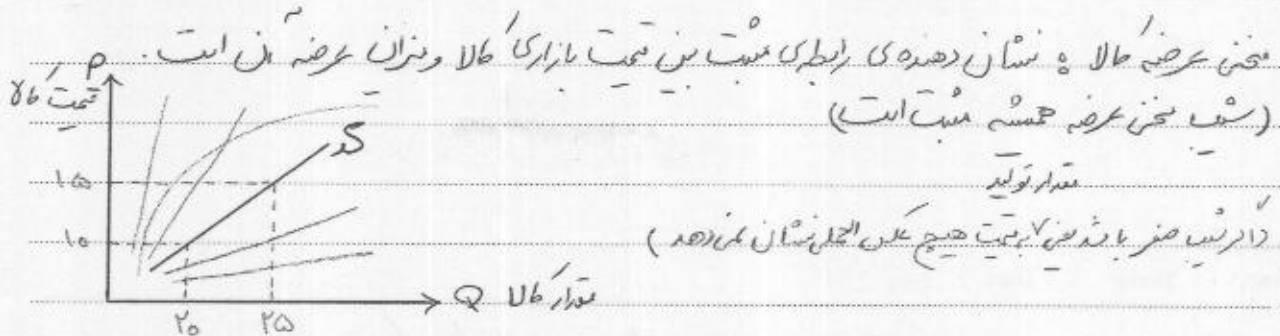
نامی
در مرحله دوم، از سر فضای به تولید برای جبار است شروع می‌شود تا جایی که تولید برای جباری شروع می‌شود.
کدام آن نقطه در این راه تولید کل است. حداکثر مقدار است. در این راه می‌توانیم تولید را کم کنیم تا صفر می‌رسد.
افزایش است.

اگر قیمت بازاری محصول افزایش یابد، فزاین تولید واحد تولیدی نیز افزایش می‌یابد.

P قیمت بازار

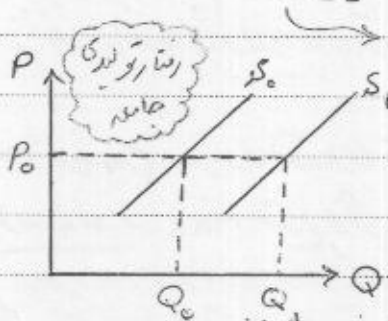
تعداد عرضه، تعداد تقاضا Q تولید

۱۰
+ () ۱۵
۲۰
+ () ۲۵
۱۵ واحد چه ۱۰ واحد
این موضوع با توجه قانون عرضه است



قیمت بازار P_0 به ثابت
 مقدار عرضه Q_0 به ثابت

فرض کنید دولت تدبیر و امید می خواهد با ثابت نگه داشتن قیمت ها، تولید را (عرضه را) افزایش دهد. (با توجه به مقدار پایه با ثابت نگه داشتن P_0 ، Q_0 را افزایش دهد) راهکار چیست؟



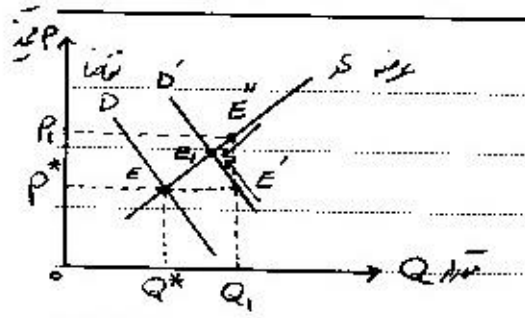
سیاست های انتقال مخفی عرضه:

- ۱) مقدار تولید کنده ها از زیر بازار، عرضه (Q) زیاد می شود. $Q \uparrow$
- ۲) تسهیلات بیم تولیدکنندگان بزرگ که قادر عرضه تولید شوند. تسهیلات بیم ظرفیت های اضافی است (بهره دافت یا رانیم عوامل تولید بزرگ انسان، زمین، مواد اولیه)
- ۳) بهبود تکنولوژی (بهره دافت انتقال مخفی عرضه به بکت رایت می شود)

حجم نسبی ۹۲،۸،۲۰

معاملات پولی: کسانی که در عرضه و تقاضا که پول و تعیین نرخ بهره پول نقش ایفا می کنند.

بازار: جایی است که عرضه و تقاضا هم در برابر اطلاعاتی می کنند. هر جایی که تولید باشد. مکان فیزیکی، مکانی، مثبت تلقی و ...



کل تقاضا عرضه و تقاضای تمام بازار را در بر می گیرد.
 همان مقدار P^* قیمت بازار و Q^* مقدار بازار است. یعنی تولید
 کننده حاضر است با قیمت P^* مقدار Q^* عرضه کند و تقاضا کننده
 قیمت P^* حاضر است Q^* تقاضا کند. چون عرضه و تقاضا برابر است
 بازار در حالت تعادل قرار دارد.

۲. تا مفهوم از تعادل داریم: تعادل بازار، تعادل فابریک
 * تعادل بازار: مقدار است که در آن تولیدی خارجی، تعدادی دارد که تغییر حاصل آن تغییر نمی‌دهد. یعنی در
 شرایط از مرسوم باشد. مقدار تولید و تقاضا در قیمت P ثابت خواهد بود. هر فرد با E
 (در واقع تعادل است که در آن تولید خارجی، تعدادی دارد که تغییرهای مدل تغییر نمی‌دهد.)
 * تعادل فابریک: این نقطه ای است که در آن کوچکترین تغییر حاصل شود. تغییرهای مدل (چهار تغییر خواهد
 شد.)

فرض می‌کنیم به هر دلیل تقاضا افزایش یابد. (در نمودار از D به D') در قیمت بازار (P^*) میزان تقاضا به سطح
 Q_1 افزایش می‌یابد و میزان عرضه بازار Q^* است. در اینجا $Q_1 > Q^*$ است. این:

حالت: $D > S$ وضعیت: شفاف عرضه / طرح: توجه احتمالی دارد
 (شفاف عرضه: یعنی تقاضا در جامعه بیش از مقدار تولید است.)
 در این حالت قیمت افزایش پیدا می‌کند. به مراتب در سطح Q_1 قیمت افزایش می‌یابد و به سطح P_1 می‌رسد.
 در سطح قیمت P_1 میزان تولید با عرضه جامعه Q_1 است. وقتی قیمت‌ها افزایش یابد تولید زیاد می‌شود. از
 طرف دیگر تقاضا کم می‌شود. به همین خاطر قیمت‌ها بالا می‌رود. در نتیجه آن سیستم قیمت عنوان E
 در این نقطه $D = S$ خواهد بود. پس تعادل بازار محقق می‌شود.

پس در میان E' و E^* تعادل فابریک داریم. و یک در شرایط E و E' تعادل بازار است.

اندام است: دولت با افزایش آموختار، اقتصاد را کنترل می‌کند. این دولت با افزایش آموختار، تعادل است

حالت: $S > D$ وضعیت: شفاف تقاضا / طرح: توجه اقتصاد را ندارد

Subject:

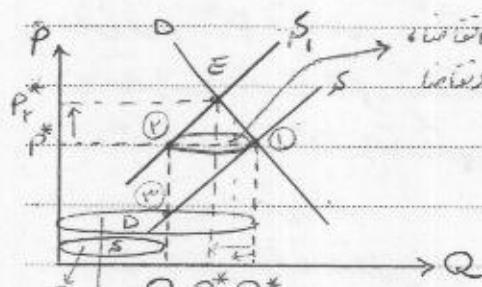
Year: Month: Date: ()

$$P^* \quad D: Q_1 \Rightarrow Q_1 > Q^* \Rightarrow D > S$$

$$S: Q^*$$

$$P_1 \quad S: Q_1$$

$E_1 \quad S: D$ تعادل پایدار



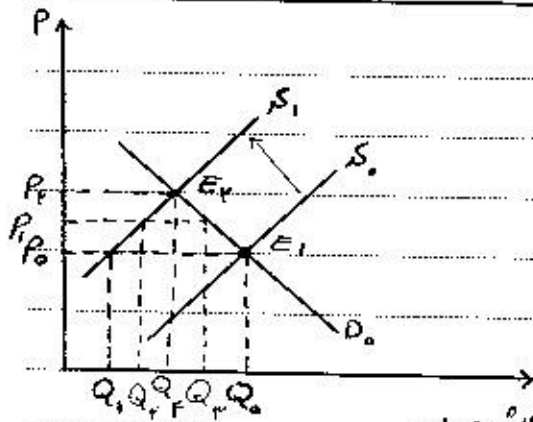
حالا اگر شد از طرف عرضه اتفاق بیفتد (حالت علی مورد قبلی) تا زمان تعادل
 در این شرایط میزان قیمت و تولید تعادل بازار مشخص است. (Q^*, P^*)
 میزان تولید در اقتصاد نباید کاهش کمتر شود. در قیمت P^* در شرایط
 جدید (S_1) میزان عرضه کم می شود (Q_1)

در قیمت P^* $S_1: Q_1 \Rightarrow Q_s < Q_D$ (در قیمت P^*)
 قیمت روز صوری به خود ببرد عرضه در حال رشد و تقاضا در حال کاهش می باشد.

در Q_p^* عرضه و تقاضا مساوی است) نقطه E ، نقطه تعادل خواهد بود که عرضه و تقاضا در آن برابرند
 (نقاط 1، 2 و 3 نقاط تعادل پایدار هستند)

کاهش عرضه نهایتاً با راه نفعی تعادل خواهد رساند. آن نقطه قیمت بالاتر و مقدار کمتر در بازار خواهیم داشت
 (قیمت P^* ، قیمت جدید است که از P^* بالاتر است)
 همچنین به Q_p^* خواهیم رسید که از Q^* کمتر است. یعنی تولید منقبض شده (کم شده)، یعنی رشد
 اقتصاد متعادل است!

تفاوت تقاضا باعث افزایش قیمت می شود
 در شکل صغری بود مطالب فوق را مرور می کنیم:



وقتی که قیمت عرضه اندکتر از قیمت بابت عرضه در عرضه بدست
 قبلاً متعادل P_0 و Q_0 بود در شرایط جدید در عرضه بدست
 قیمت بازار P_1 است و تولید بازار Q_1 است (این قیمت
 بازار P_1 باشد و تولید بازار Q_1 است) این قیمت P_1
 باشد عرضه Q_1 و تقاضا Q_1 است به عبارتی Q_1
 Q_1 و P_1 بازار تقاضا با تقاضای جدید در بازار تولید است
 میزان تقاضا زیاد است. ممکن است قیمت بازار در این
 نقطه قیمت P_1 شود در این قیمت میزان عرضه بازار Q_1 است و میزان تقاضا Q_1 است. شایان توجه
 در این حالت کاهش می باشد (یعنی عرضه Q_1 و تقاضا Q_1 است) این تقاضا با تقاضای جدید قیمت
 در بازار P_1 است که زیاد شده تولید ما ممکن است عملی نیست (یعنی تولید Q_1 است) (در میزان Q_1 اما تقاضا
 ممکن است عملی شود نشان می دهد (تقاضا کم می شود) (در میزان Q_1)
 این فرآیند تا حالی ادامه می یابد که قیمت P_1 برسد در این قیمت عرضه و تقاضا Q_1 است در اینجا
 $D = S$ می شود (عرضه = تقاضا) این تعادل پایدار داریم
 از نقطه تعادل E_1 به نقطه تعادل E_2 حرکت کردیم در نقطه تعادل جدید قیمت بازار P_1 و مقدار
 تولید در جامعه کم شده (GDP اقتصاد منقبض شده، قیمت ها افزایش پیدا کرده)

مورد ۱: بازار تقاضا - تقاضای جدید
 P_0 $S: Q_0$ $D: Q_0$ \Rightarrow Q_0 Q_0
 P_1 $S: Q_1$ $D: Q_1$ \Rightarrow Q_1 Q_1
 P_2 $S: Q_2$ $D: Q_2$ \Rightarrow $S = D$ تعادل پایدار

بازار از لحاظ سترده جغرافیایی به چند طبقه تقسیم بندی می شود:
 ۱) بازار داخلی - محدوده جغرافیایی محدودی داشته باشد مثلاً در کشور مشخص در محدود عرضه و تقاضا می شود
 ۲) بازار بین المللی - در نظر استراتژی تولید و حصول تعادل داخلی نیست در این بازار هر دو طرف را انجام می دهیم
 که محدودی بازار داخلی دارد جهت سترده جغرافیایی بازار کم است (مثلاً ایران، آلمان، آلمان)
 ۳) بازار منطقه ای - محدودی جغرافیایی سترده دارد (مثلاً ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۳۸، ۳۹، ۴۰، ۴۱، ۴۲، ۴۳، ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۴۷، ۴۸، ۴۹، ۵۰، ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۵۴، ۵۵، ۵۶، ۵۷، ۵۸، ۵۹، ۶۰، ۶۱، ۶۲، ۶۳، ۶۴، ۶۵، ۶۶، ۶۷، ۶۸، ۶۹، ۷۰، ۷۱، ۷۲، ۷۳، ۷۴، ۷۵، ۷۶، ۷۷، ۷۸، ۷۹، ۸۰، ۸۱، ۸۲، ۸۳، ۸۴، ۸۵، ۸۶، ۸۷، ۸۸، ۸۹، ۹۰، ۹۱، ۹۲، ۹۳، ۹۴، ۹۵، ۹۶، ۹۷، ۹۸، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۶۸، ۱۶۹، ۱۷۰، ۱۷۱، ۱۷۲، ۱۷۳، ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۷۶، ۱۷۷، ۱۷۸، ۱۷۹، ۱۸۰، ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۸۳، ۱۸۴، ۱۸۵، ۱۸۶، ۱۸۷، ۱۸۸، ۱۸۹، ۱۹۰، ۱۹۱، ۱۹۲، ۱۹۳، ۱۹۴، ۱۹۵، ۱۹۶، ۱۹۷، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۰۳، ۲۰۴، ۲۰۵، ۲۰۶، ۲۰۷، ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۱۲، ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۱۶، ۲۱۷، ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۲۳، ۲۲۴، ۲۲۵، ۲۲۶، ۲۲۷، ۲۲۸، ۲۲۹، ۲۳۰، ۲۳۱، ۲۳۲، ۲۳۳، ۲۳۴، ۲۳۵، ۲۳۶، ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۳۹، ۲۴۰، ۲۴۱، ۲۴۲، ۲۴۳، ۲۴۴، ۲۴۵، ۲۴۶، ۲۴۷، ۲۴۸، ۲۴۹، ۲۵۰، ۲۵۱، ۲۵۲، ۲۵۳، ۲۵۴، ۲۵۵، ۲۵۶، ۲۵۷، ۲۵۸، ۲۵۹، ۲۶۰، ۲۶۱، ۲۶۲، ۲۶۳، ۲۶۴، ۲۶۵، ۲۶۶، ۲۶۷، ۲۶۸، ۲۶۹، ۲۷۰، ۲۷۱، ۲۷۲، ۲۷۳، ۲۷۴، ۲۷۵، ۲۷۶، ۲۷۷، ۲۷۸، ۲۷۹، ۲۸۰، ۲۸۱، ۲۸۲، ۲۸۳، ۲۸۴، ۲۸۵، ۲۸۶، ۲۸۷، ۲۸۸، ۲۸۹، ۲۹۰، ۲۹۱، ۲۹۲، ۲۹۳، ۲۹۴، ۲۹۵، ۲۹۶، ۲۹۷، ۲۹۸، ۲۹۹، ۳۰۰، ۳۰۱، ۳۰۲، ۳۰۳، ۳۰۴، ۳۰۵، ۳۰۶، ۳۰۷، ۳۰۸، ۳۰۹، ۳۱۰، ۳۱۱، ۳۱۲، ۳۱۳، ۳۱۴، ۳۱۵، ۳۱۶، ۳۱۷، ۳۱۸، ۳۱۹، ۳۲۰، ۳۲۱، ۳۲۲، ۳۲۳، ۳۲۴، ۳۲۵، ۳۲۶، ۳۲۷، ۳۲۸، ۳۲۹، ۳۳۰، ۳۳۱، ۳۳۲، ۳۳۳، ۳۳۴، ۳۳۵، ۳۳۶، ۳۳۷، ۳۳۸، ۳۳۹، ۳۴۰، ۳۴۱، ۳۴۲، ۳۴۳، ۳۴۴، ۳۴۵، ۳۴۶، ۳۴۷، ۳۴۸، ۳۴۹، ۳۵۰، ۳۵۱، ۳۵۲، ۳۵۳، ۳۵۴، ۳۵۵، ۳۵۶، ۳۵۷، ۳۵۸، ۳۵۹، ۳۶۰، ۳۶۱، ۳۶۲، ۳۶۳، ۳۶۴، ۳۶۵، ۳۶۶، ۳۶۷، ۳۶۸، ۳۶۹، ۳۷۰، ۳۷۱، ۳۷۲، ۳۷۳، ۳۷۴، ۳۷۵، ۳۷۶، ۳۷۷، ۳۷۸، ۳۷۹، ۳۸۰، ۳۸۱، ۳۸۲، ۳۸۳، ۳۸۴، ۳۸۵، ۳۸۶، ۳۸۷، ۳۸۸، ۳۸۹، ۳۹۰، ۳۹۱، ۳۹۲، ۳۹۳، ۳۹۴، ۳۹۵، ۳۹۶، ۳۹۷، ۳۹۸، ۳۹۹، ۴۰۰، ۴۰۱، ۴۰۲، ۴۰۳، ۴۰۴، ۴۰۵، ۴۰۶، ۴۰۷، ۴۰۸، ۴۰۹، ۴۱۰، ۴۱۱، ۴۱۲، ۴۱۳، ۴۱۴، ۴۱۵، ۴۱۶، ۴۱۷، ۴۱۸، ۴۱۹، ۴۲۰، ۴۲۱، ۴۲۲، ۴۲۳، ۴۲۴، ۴۲۵، ۴۲۶، ۴۲۷، ۴۲۸، ۴۲۹، ۴۳۰، ۴۳۱، ۴۳۲، ۴۳۳، ۴۳۴، ۴۳۵، ۴۳۶، ۴۳۷، ۴۳۸، ۴۳۹، ۴۴۰، ۴۴۱، ۴۴۲، ۴۴۳، ۴۴۴، ۴۴۵، ۴۴۶، ۴۴۷، ۴۴۸، ۴۴۹، ۴۵۰، ۴۵۱، ۴۵۲، ۴۵۳، ۴۵۴، ۴۵۵، ۴۵۶، ۴۵۷، ۴۵۸، ۴۵۹، ۴۶۰، ۴۶۱، ۴۶۲، ۴۶۳، ۴۶۴، ۴۶۵، ۴۶۶، ۴۶۷، ۴۶۸، ۴۶۹، ۴۷۰، ۴۷۱، ۴۷۲، ۴۷۳، ۴۷۴، ۴۷۵، ۴۷۶، ۴۷۷، ۴۷۸، ۴۷۹، ۴۸۰، ۴۸۱، ۴۸۲، ۴۸۳، ۴۸۴، ۴۸۵، ۴۸۶، ۴۸۷، ۴۸۸، ۴۸۹، ۴۹۰، ۴۹۱، ۴۹۲، ۴۹۳، ۴۹۴، ۴۹۵، ۴۹۶، ۴۹۷، ۴۹۸، ۴۹۹، ۵۰۰، ۵۰۱، ۵۰۲، ۵۰۳، ۵۰۴، ۵۰۵، ۵۰۶، ۵۰۷، ۵۰۸، ۵۰۹، ۵۱۰، ۵۱۱، ۵۱۲، ۵۱۳، ۵۱۴، ۵۱۵، ۵۱۶، ۵۱۷، ۵۱۸، ۵۱۹، ۵۲۰، ۵۲۱، ۵۲۲، ۵۲۳، ۵۲۴، ۵۲۵، ۵۲۶، ۵۲۷، ۵۲۸، ۵۲۹، ۵۳۰، ۵۳۱، ۵۳۲، ۵۳۳، ۵۳۴، ۵۳۵، ۵۳۶، ۵۳۷، ۵۳۸، ۵۳۹، ۵۴۰، ۵۴۱، ۵۴۲، ۵۴۳، ۵۴۴، ۵۴۵، ۵۴۶، ۵۴۷، ۵۴۸، ۵۴۹، ۵۵۰، ۵۵۱، ۵۵۲، ۵۵۳، ۵۵۴، ۵۵۵، ۵۵۶، ۵۵۷، ۵۵۸، ۵۵۹، ۵۶۰، ۵۶۱، ۵۶۲، ۵۶۳، ۵۶۴، ۵۶۵، ۵۶۶، ۵۶۷، ۵۶۸، ۵۶۹، ۵۷۰، ۵۷۱، ۵۷۲، ۵۷۳، ۵۷۴، ۵۷۵، ۵۷۶، ۵۷۷، ۵۷۸، ۵۷۹، ۵۸۰، ۵۸۱، ۵۸۲، ۵۸۳، ۵۸۴، ۵۸۵، ۵۸۶، ۵۸۷، ۵۸۸، ۵۸۹، ۵۹۰، ۵۹۱، ۵۹۲، ۵۹۳، ۵۹۴، ۵۹۵، ۵۹۶، ۵۹۷، ۵۹۸، ۵۹۹، ۶۰۰، ۶۰۱، ۶۰۲، ۶۰۳، ۶۰۴، ۶۰۵، ۶۰۶، ۶۰۷، ۶۰۸، ۶۰۹، ۶۱۰، ۶۱۱، ۶۱۲، ۶۱۳، ۶۱۴، ۶۱۵، ۶۱۶، ۶۱۷، ۶۱۸، ۶۱۹، ۶۲۰، ۶۲۱، ۶۲۲، ۶۲۳، ۶۲۴، ۶۲۵، ۶۲۶، ۶۲۷، ۶۲۸، ۶۲۹، ۶۳۰، ۶۳۱، ۶۳۲، ۶۳۳، ۶۳۴، ۶۳۵، ۶۳۶، ۶۳۷، ۶۳۸، ۶۳۹، ۶۴۰، ۶۴۱، ۶۴۲، ۶۴۳، ۶۴۴، ۶۴۵، ۶۴۶، ۶۴۷، ۶۴۸، ۶۴۹، ۶۵۰، ۶۵۱، ۶۵۲، ۶۵۳، ۶۵۴، ۶۵۵، ۶۵۶، ۶۵۷، ۶۵۸، ۶۵۹، ۶۶۰، ۶۶۱، ۶۶۲، ۶۶۳، ۶۶۴، ۶۶۵، ۶۶۶، ۶۶۷، ۶۶۸، ۶۶۹، ۶۷۰، ۶۷۱، ۶۷۲، ۶۷۳، ۶۷۴، ۶۷۵، ۶۷۶، ۶۷۷، ۶۷۸، ۶۷۹، ۶۸۰، ۶۸۱، ۶۸۲، ۶۸۳، ۶۸۴، ۶۸۵، ۶۸۶، ۶۸۷، ۶۸۸، ۶۸۹، ۶۹۰، ۶۹۱، ۶۹۲، ۶۹۳، ۶۹۴، ۶۹۵، ۶۹۶، ۶۹۷، ۶۹۸، ۶۹۹، ۷۰۰، ۷۰۱، ۷۰۲، ۷۰۳، ۷۰۴، ۷۰۵، ۷۰۶، ۷۰۷، ۷۰۸، ۷۰۹، ۷۱۰، ۷۱۱، ۷۱۲، ۷۱۳، ۷۱۴، ۷۱۵، ۷۱۶، ۷۱۷، ۷۱۸، ۷۱۹، ۷۲۰، ۷۲۱، ۷۲۲، ۷۲۳، ۷۲۴، ۷۲۵، ۷۲۶، ۷۲۷، ۷۲۸، ۷۲۹، ۷۳۰، ۷۳۱، ۷۳۲، ۷۳۳، ۷۳۴، ۷۳۵، ۷۳۶، ۷۳۷، ۷۳۸، ۷۳۹، ۷۴۰، ۷۴۱، ۷۴۲، ۷۴۳، ۷۴۴، ۷۴۵، ۷۴۶، ۷۴۷، ۷۴۸، ۷۴۹، ۷۵۰، ۷۵۱، ۷۵۲، ۷۵۳، ۷۵۴، ۷۵۵، ۷۵۶، ۷۵۷، ۷۵۸، ۷۵۹، ۷۶۰، ۷۶۱، ۷۶۲، ۷۶۳، ۷۶۴، ۷۶۵، ۷۶۶، ۷۶۷، ۷۶۸، ۷۶۹، ۷۷۰، ۷۷۱، ۷۷۲، ۷۷۳، ۷۷۴، ۷۷۵، ۷۷۶، ۷۷۷، ۷۷۸، ۷۷۹، ۷۸۰، ۷۸۱، ۷۸۲، ۷۸۳، ۷۸۴، ۷۸۵، ۷۸۶، ۷۸۷، ۷۸۸، ۷۸۹، ۷۹۰، ۷۹۱، ۷۹۲، ۷۹۳، ۷۹۴، ۷۹۵، ۷۹۶، ۷۹۷، ۷۹۸، ۷۹۹، ۸۰۰، ۸۰۱، ۸۰۲، ۸۰۳، ۸۰۴، ۸۰۵، ۸۰۶، ۸۰۷، ۸۰۸، ۸۰۹، ۸۱۰، ۸۱۱، ۸۱۲، ۸۱۳، ۸۱۴، ۸۱۵، ۸۱۶، ۸۱۷، ۸۱۸، ۸۱۹، ۸۲۰، ۸۲۱، ۸۲۲، ۸۲۳، ۸۲۴، ۸۲۵، ۸۲۶، ۸۲۷، ۸۲۸، ۸۲۹، ۸۳۰، ۸۳۱، ۸۳۲، ۸۳۳، ۸۳۴، ۸۳۵، ۸۳۶، ۸۳۷، ۸۳۸، ۸۳۹، ۸۴۰، ۸۴۱، ۸۴۲، ۸۴۳، ۸۴۴، ۸۴۵، ۸۴۶، ۸۴۷، ۸۴۸، ۸۴۹، ۸۵۰، ۸۵۱، ۸۵۲، ۸۵۳، ۸۵۴، ۸۵۵، ۸۵۶، ۸۵۷، ۸۵۸، ۸۵۹، ۸۶۰، ۸۶۱، ۸۶۲، ۸۶۳، ۸۶۴، ۸۶۵، ۸۶۶، ۸۶۷، ۸۶۸، ۸۶۹، ۸۷۰، ۸۷۱، ۸۷۲، ۸۷۳، ۸۷۴، ۸۷۵، ۸۷۶، ۸۷۷، ۸۷۸، ۸۷۹، ۸۸۰، ۸۸۱، ۸۸۲، ۸۸۳، ۸۸۴، ۸۸۵، ۸۸۶، ۸۸۷، ۸۸۸، ۸۸۹، ۸۹۰، ۸۹۱، ۸۹۲، ۸۹۳، ۸۹۴، ۸۹۵، ۸۹۶، ۸۹۷، ۸۹۸، ۸۹۹، ۹۰۰، ۹۰۱، ۹۰۲، ۹۰۳، ۹۰۴، ۹۰۵، ۹۰۶، ۹۰۷، ۹۰۸، ۹۰۹، ۹۱۰، ۹۱۱، ۹۱۲، ۹۱۳، ۹۱۴، ۹۱۵، ۹۱۶، ۹۱۷، ۹۱۸، ۹۱۹، ۹۲۰، ۹۲۱، ۹۲۲، ۹۲۳، ۹۲۴، ۹۲۵، ۹۲۶، ۹۲۷، ۹۲۸، ۹۲۹، ۹۳۰، ۹۳۱، ۹۳۲، ۹۳۳، ۹۳۴، ۹۳۵، ۹۳۶، ۹۳۷، ۹۳۸، ۹۳۹، ۹۴۰، ۹۴۱، ۹۴۲، ۹۴۳، ۹۴۴، ۹۴۵، ۹۴۶، ۹۴۷، ۹۴۸، ۹۴۹، ۹۵۰، ۹۵۱، ۹۵۲، ۹۵۳، ۹۵۴، ۹۵۵، ۹۵۶، ۹۵۷، ۹۵۸، ۹۵۹، ۹۶۰، ۹۶۱، ۹۶۲، ۹۶۳، ۹۶۴، ۹۶۵، ۹۶۶، ۹۶۷، ۹۶۸، ۹۶۹، ۹۷۰، ۹۷۱، ۹۷۲، ۹۷۳، ۹۷۴، ۹۷۵، ۹۷۶، ۹۷۷، ۹۷۸، ۹۷۹، ۹۸۰، ۹۸۱، ۹۸۲، ۹۸۳، ۹۸۴، ۹۸۵، ۹۸۶، ۹۸۷، ۹۸۸، ۹۸۹، ۹۹۰، ۹۹۱، ۹۹۲، ۹۹۳، ۹۹۴، ۹۹۵، ۹۹۶، ۹۹۷، ۹۹۸، ۹۹۹، ۱۰۰۰، ۱۰۰۱، ۱۰۰۲، ۱۰۰۳، ۱۰۰۴، ۱۰۰۵، ۱۰۰۶، ۱۰۰۷، ۱۰۰۸، ۱۰۰۹، ۱۰۱۰، ۱۰۱۱، ۱۰۱۲، ۱۰۱۳، ۱۰۱۴، ۱۰۱۵، ۱۰۱۶، ۱۰۱۷، ۱۰۱۸، ۱۰۱۹، ۱۰۲۰، ۱۰۲۱، ۱۰۲۲، ۱۰۲۳، ۱۰۲۴، ۱۰۲۵، ۱۰۲۶، ۱۰۲۷، ۱۰۲۸، ۱۰۲۹، ۱۰۳۰، ۱۰۳۱، ۱۰۳۲، ۱۰۳۳، ۱۰۳۴، ۱۰۳۵، ۱۰۳۶، ۱۰۳۷، ۱۰۳۸، ۱۰۳۹، ۱۰۴۰، ۱۰۴۱، ۱۰۴۲، ۱۰۴۳، ۱۰۴۴، ۱۰۴۵، ۱۰۴۶، ۱۰۴۷، ۱۰۴۸، ۱۰۴۹، ۱۰۵۰، ۱۰۵۱، ۱۰۵۲، ۱۰۵۳، ۱۰۵۴، ۱۰۵۵، ۱۰۵۶، ۱۰۵۷، ۱۰۵۸، ۱۰۵۹، ۱۰۶۰، ۱۰۶۱، ۱۰۶۲، ۱۰۶۳، ۱۰۶۴، ۱۰۶۵، ۱۰۶۶، ۱۰۶۷، ۱۰۶۸، ۱۰۶۹، ۱۰۷۰، ۱۰۷۱، ۱۰۷۲، ۱۰۷۳، ۱۰۷۴، ۱۰۷۵، ۱۰۷۶، ۱۰۷۷، ۱۰۷۸، ۱۰۷۹، ۱۰۸۰، ۱۰۸۱، ۱۰۸۲، ۱۰۸۳، ۱۰۸۴، ۱۰۸۵، ۱۰۸۶، ۱۰۸۷، ۱۰۸۸، ۱۰۸۹، ۱۰۹۰، ۱۰۹۱، ۱۰۹۲، ۱۰۹۳، ۱۰۹۴، ۱۰۹۵، ۱۰۹۶، ۱۰۹۷، ۱۰۹۸، ۱۰۹۹، ۱۱۰۰، ۱۱۰۱، ۱۱۰۲، ۱۱۰۳، ۱۱۰۴، ۱۱۰۵، ۱۱۰۶، ۱۱۰۷، ۱۱۰۸، ۱۱۰۹، ۱۱۱۰، ۱۱۱۱، ۱۱۱۲، ۱۱۱۳، ۱۱۱۴، ۱۱۱۵، ۱۱۱۶، ۱۱۱۷، ۱۱۱۸، ۱۱۱۹، ۱۱۲۰، ۱۱۲۱، ۱۱۲۲، ۱۱۲۳، ۱۱۲۴، ۱۱۲۵، ۱۱۲۶، ۱۱۲۷، ۱۱۲۸، ۱۱۲۹، ۱۱۳۰، ۱۱۳۱، ۱۱۳۲، ۱۱۳۳، ۱۱۳۴، ۱۱۳۵، ۱۱۳۶، ۱۱۳۷، ۱۱۳۸، ۱۱۳۹، ۱۱۴۰، ۱۱۴۱، ۱۱۴۲، ۱۱۴۳، ۱۱۴۴، ۱۱۴۵، ۱۱۴۶، ۱۱۴۷، ۱۱۴۸، ۱۱۴۹، ۱۱۵۰، ۱۱۵۱، ۱۱۵۲، ۱۱۵۳، ۱۱۵۴، ۱۱۵۵، ۱۱۵۶، ۱۱۵۷، ۱۱۵۸، ۱۱۵۹، ۱۱۶۰، ۱۱۶۱، ۱۱۶۲، ۱۱۶۳، ۱۱۶۴، ۱۱۶۵، ۱۱۶۶، ۱۱۶۷، ۱۱۶۸، ۱۱۶۹، ۱۱۷۰، ۱۱۷۱، ۱۱۷۲، ۱۱۷۳، ۱۱۷۴، ۱۱۷۵، ۱۱۷۶، ۱۱۷۷، ۱۱۷۸، ۱۱۷۹، ۱۱۸۰، ۱۱۸۱، ۱۱۸۲، ۱۱۸۳، ۱۱۸۴، ۱۱۸۵، ۱۱۸۶، ۱۱۸۷، ۱۱۸۸، ۱۱۸۹، ۱۱۹۰، ۱۱۹۱، ۱۱۹۲، ۱۱۹۳، ۱۱۹۴، ۱۱۹۵، ۱۱۹۶، ۱۱۹۷، ۱۱۹۸، ۱۱۹۹، ۱۲۰۰، ۱۲۰۱، ۱۲۰۲، ۱۲۰۳، ۱۲۰۴، ۱۲۰۵، ۱۲۰۶، ۱۲۰۷، ۱۲۰۸، ۱۲۰۹، ۱۲۱۰، ۱۲۱۱، ۱۲۱۲، ۱۲۱۳، ۱۲۱۴، ۱۲۱۵، ۱۲۱۶، ۱۲۱۷، ۱۲۱۸، ۱۲۱۹، ۱۲۲۰، ۱۲۲۱، ۱۲۲۲، ۱۲۲۳، ۱۲۲۴، ۱۲۲۵، ۱۲۲۶، ۱۲۲۷، ۱۲۲۸، ۱۲۲۹، ۱۲۳۰، ۱۲۳۱، ۱۲۳۲، ۱۲۳۳، ۱۲۳۴، ۱۲۳۵، ۱۲۳۶، ۱۲۳۷، ۱۲۳۸، ۱۲۳۹، ۱۲۴۰، ۱۲۴۱، ۱۲۴۲، ۱۲۴۳، ۱۲۴۴، ۱۲۴۵، ۱۲۴۶، ۱۲۴۷، ۱۲۴۸، ۱۲۴۹، ۱۲۵۰، ۱۲۵۱، ۱۲۵۲، ۱۲۵۳، ۱۲۵۴، ۱۲۵۵، ۱۲۵۶، ۱۲۵۷، ۱۲۵۸، ۱۲۵۹، ۱۲۶۰، ۱۲۶۱، ۱۲۶۲، ۱۲۶۳، ۱۲۶۴، ۱۲۶۵، ۱۲۶۶، ۱۲۶۷، ۱۲۶۸، ۱۲۶۹، ۱۲۷۰، ۱۲۷۱، ۱۲۷۲، ۱۲۷۳، ۱۲۷۴، ۱۲۷۵، ۱۲۷۶، ۱۲۷۷، ۱۲۷۸، ۱۲۷۹، ۱۲۸۰، ۱۲۸۱، ۱۲۸۲، ۱۲۸۳، ۱۲۸۴، ۱۲۸۵، ۱۲۸۶، ۱۲۸۷، ۱۲۸۸، ۱۲۸۹، ۱۲۹۰، ۱۲۹۱، ۱۲۹۲، ۱۲۹۳، ۱۲۹۴، ۱۲۹۵، ۱۲۹۶، ۱۲۹۷، ۱۲۹۸، ۱۲۹۹، ۱۳۰۰، ۱۳۰۱، ۱۳۰۲، ۱۳۰۳، ۱۳۰۴، ۱۳۰۵، ۱۳۰۶، ۱۳۰۷، ۱۳۰۸، ۱۳۰۹، ۱۳۱۰، ۱۳۱۱، ۱۳۱۲، ۱۳۱۳، ۱۳۱۴، ۱۳۱۵، ۱۳۱۶، ۱۳۱۷، ۱۳۱۸، ۱۳۱۹، ۱۳۲۰، ۱۳۲۱، ۱۳۲۲، ۱۳۲۳، ۱۳۲۴، ۱۳۲۵، ۱۳۲۶،

Subject:

Year: Month: Date: ()

۳) بازار ملی - محصولی در بازار ملی دارد از محصولی در بازار منطقه ای دارد (بهرتاریت، کیفیت بالاتر است، سطح رقابتی برتری است، میزان تقاضای گسترده تر است. از جاهای او ۲۰ بهر تاریت)

۴) بازار بین المللی - از بازار ملی فراتر است. هر چه تولیدات طرف بازار بین المللی داشته باشد، بهر تاریت می کند، کیفیت بالاتر است، قیمت نسبی دارد بالاتر و کیفیت بالاتر تولید می شود. طرفی که محصول بین المللی تولید می کند بهتر از طرفی است که محصول بازارهای دیگری است.

ساختار بازار:

| انحصار | رقابت |
|---|----------------------------|
| ↓ | ↓ |
| * تعداد تولید کننده (صرف کننده، تقاضا کننده) کم است، میزان تولید کم | به شمار است |
| * سود حداکثر | سود حداقل $\pi = 0$ |
| * منفعت انحصار به انحصار اثر می رسد | منفعت به مصرف کننده می رسد |
| تنها قیمت پایه تسلیم به بازار، رقابت در بازار است چون حداقل منفعت مصرف کننده را پوشش می دهد | |
| * ورود و خروج در انحصار کم است | آزاد است |
| * سهم هر فرد در بازار ۱۰۰٪ | ناچیز است |
| * قیمت: انحصار قیمت گذاری است | Price Taker قیمت گیر است |
| * کارآ: ناچگن است | تخلن است |

روش های انحصار:

- ۱) مجوز دولت (مجازها)
- ۲) اختراع و انحصار - حق بهره برداری با مخترع یا طائف است
- ۳) انحصار می تواند به شکل طبیعی انحصار شود. مفهوم تولید به معنای: هر چه اندازه تولید بیشتر می شود، قیمت تمام شده کاهش می یابد (تولید تولید می شود). بنابراین مقادیر بیشتری تولید می کند و به بازار عرضه می کند.

Subject:

Year: Month: Date: ()

موضوع: در مقایسه با علم خارج از کشور به کلیت اقتصاد حرکت کردیم بصورت طبیعی اقتصاد ایران شده.

صورتی که اقتصاد را در ایران و مثلاً در آمریکا هیچ کس نمی تواند در بازار سرمایه از شرکتی بدین اندازه سهامش را بخریز (این خرید اقتصاد ایران را نشود)

(در اقتصاد امروزه می توانیم ارزش در دفتر (مزاران) است.)

علم حسام ۹۲،۸،

می‌تند. برعکس به هم خارج شدند به علت انحصار حرکت مردم بصورت طبیعی انحصار ایجاد شده.

حظر حرکت انحصار را می‌توانیم؟ مثلاً می‌توانیم هیچ‌کس حق ندارد در بازار سرمایه از شرکتی بیش از ۱۰٪ سهام را بخرد (این خرید انحصار ایجاد می‌شود)

(در اقتصاد امروزه می‌توانیم ارزش در دفتر (مبادلات) است.)

علم حسبت ۹۲،۸،۲۷

تفصیح به بازارها در طبقه تمایز دارند. رقابت و انحصار. تفصیح به هر چه به علت بازار رقابت حرکت کنیم به نفع مصرف کننده است. و هر چه به علت بازار انحصار حرکت کنیم به نفع تولید کننده است. و به تفصیح ایجاد شود این رقابت هم همین بوده که بازارها را به علت شرایط رقابتی می‌توانیم به نفع مصرف کننده بیاوریم. بازار به طور کلی از کل تلاش عرضه و تقاضا ایجاد می‌شود.

$$y = \text{GDP} + M + \text{تغییر موجودی انبار} + \text{واردات کالا}$$

عرضه Supply =

$y_D \rightarrow \text{Domestic}$
 تولید داخلی
 GDP
 سال معین
 تغییر موجودی انبار
 مایه در فروش می‌توانیم
 واردات کالا
 M

عرضه عبارت است از آنچه که بنگاه‌های داخلی تولید کنند علاوه بر آنچه که بنگاه‌های خارجی تولید کنند و ما وارد می‌کنیم.

موجودی انباری در سال - موجودی ابتدا در سال = تغییر موجودی انبار
که بجا کاف سال مشخص

$$D = C + I + G + X$$

D: تقاضای کل
 C: خرج مصرفی خانوارها (Consumption)
 I: خرج سرمایه‌گذاری (Investment)
 G: خرج دولت (Government)
 X: صادرات (Export)

صادرات: کالا و خدماتی که خارجیان از بنگاه های داخلی خریداری می کنند
 آنچه که خانوارها خرید می کنند با آنچه که بنگاه ها خریداری می کنند و آنچه که دولت خریداری می کند و آنچه که خارجیان از بنگاه های داخلی خرید می کنند مجموعش می شود تقاضای کل

توازن درجای اتقاف می آید به: تقاضای کل = عرضه کل

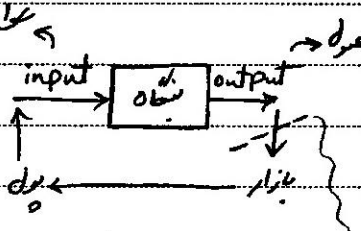
موضوعی نیست چرا که عرضه می شود توسط خریداران، خریداری می شود (مصرف) این مصرف
 تقاضای کل = عرضه کل

$$Y_D + M = C_1 + I_2 + G_3 + X_4 \quad \text{مدل اقتصاد ۴ بخشی (کامل)}$$

در پیوسته
 حراشی که در بازار عرضه شده
 انت توسط ۱، ۲، ۳، ۴
 خریداری شده است
 (چه تولید داخلی چه وارداتی)

از عرضه و تقاضای کل برابر می شود تعادل درآمد، یعنی اقتصاد در تعادل نیست
 مثلاً خانوارها خرس شوند و کمتر خرج کنند یا دولت کمتر خرج کند
 دولت با کم خرج کردن یا اول خرجی نکند می تواند اقتصاد را به تعادل برساند
 (سیاست های انبساطی و انقباضی یعنی دولت باید بتواند مخارج را مدیریت کند)

عوامل تولید و نیاز



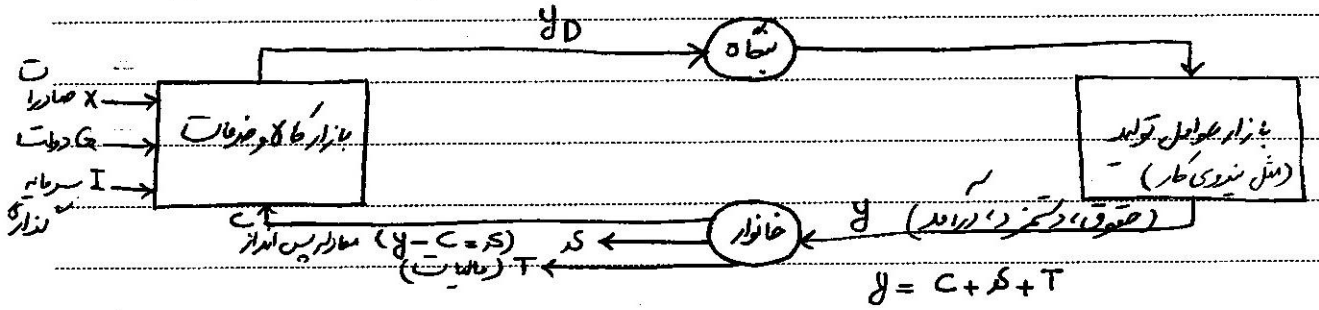
بنگاه عوامل تولید را می خورد و محصول را به بازار عرضه می کند، محصول به فروش میرسد و پول نقد می شود پس بنگاه مجدداً نیاز و نیاز در این چرخه را می
 می باید

محصول به بازار عرضه می شود موجودی انبار می شود، خریدار ندارد پس نمی تواند پول نقد تبدیل شود بنگاه به مشکل بر می خورد

بهرم تعادل همیشه به ضرر بنگاه است. اقتصاد در تعادل قرار می برد آنگاه بنگاه می تواند برنامه بزرگ کند. در عدم تعادل بنگاه قادر به برنامه بزرگ نیست

در اقتصاد ۴ بخشی، ۴ بخش اقتصاد خانوارها، بنگاه ها، دولت و بخش خارج هم زمان و مجدد دارند. اگر بخش خارج را از مدل حذف کنیم، اقتصاد ۳ بخشی می شود (اقتصاد بسته)

فرض: طبق عوامل تولید در اختیار خانوارهاست
 مدل جریان دورتر درآمد (تولید)



۱. جریان پولی (۲. جریان واقعی) (مالی)

بازار کالا به بازار عوامل تولید و از بازار پولی برای تولید آمدن کالا جریان واقعی است. در بستگی پولی جریان پولی است.
 در شکل فوق فقط جریان پولی را رسم می‌کنیم و برای به جریان کالا می‌نویسیم.

خانوارها عوامل تولید (سود) کار را دارند. این سود را به بنگاه‌های دهند و آن خود قادر به تولید نیستند. از بنگاه‌ها پول می‌گیرند (حقوق) حقوق و دستمزد و درآمد. خانوار درآمد خود تماماً خرج نمی‌کنند. یعنی بخشی را پس انداز می‌کنند. (معادله پس انداز $y = C + K + T$ یعنی از درآمد پس انداز را هم بگیریم) (پس انداز آن بخشی از درآمد است که مصرف نمی‌شود). بخشی از درآمد خانوارها نیز صرف مالیات می‌شود (T) (پس در کل درآمد خانوار یا مصرف می‌شود یا پس انداز می‌شود یا به دولت مالیات داده می‌شود حالت دیگر ندارد!)

کالاها خریدار می‌شوند و پولشان به بنگاه‌ها برمیگردد. از بازار کالا و خدمات غیر از خانوارها چه کسانی امکان خرید دارند؟ دولت، G (حقوق) (خانوارها) X خود بنگاه‌ها (سرمایه‌گذاران) (سرمایه‌گذاران) نه مثلاً به بنگاه می‌خواهد تولید بپردازد. از بازار تجهیزات خریداری می‌کنند پس چرا چیزی نمی‌تواند شده (بهر صورت تولید است بر بنگاه‌ها) یا توسط بنگاه‌ها که خریدار شده یا صادرات شده و خانوارها خریدار می‌گردند و دولت خریدار می‌گردد و یا خانوارها خریدار می‌گردند.

در حسابداران اقتصاد ملی مثبت می‌کنیم که: $y_D = y$ (هر دو ماشون GDP هستند)

برای محاسبه GDP حدودش داریم. می‌توانیم درآمد ملی در روکش تولید

پول درآمده اندرش کالا بر اساس قیمت تمام شده

پول تولید و اندرش کالا بر اساس تولید

چه بر اساس تولید شده، چه بر اساس درآمد هزار جلو بگویم اندرش دو چیزین لایه لایه است. عمل است
درآمد مالی نشی داشته باشد و واردات. آن بخش از درآمد مالی که صرفاً خارج می‌شود صرفاً تولید داخلی
که بنگاه‌های خارجی تولید کردند می‌شود. به مدل ذکر شده در صفحه قبل، مدل جریان ممتد در آمد (یا تولید) می‌تواند

(تماماً بر آن قابل برای خرید در قیمت‌های مشخص است.)

(تقاضای موثر) (E. P. Pective Demand) می‌تواند اقتصاد را از حالت پول خارج کند

نیاز با تقاضای معادلات است. تقاضای معادله واقع (یعنی خرید در از آن قیمت مشخص) اطلاق می‌شود و یک نیاز
ضروری است

مدل قبل چه چیز است در این چرخه معادله‌ها خودی درآمد داریم. مثل درآمد که برای کالاها کاردارا صرف می‌شود (پول
ایرانیایی که نصیب بنگاه‌های خارجی می‌شود، نه نصیب بنگاه‌های ایرانی) این پول از چرخه‌ها در خارج می‌شود.
این اندر از میزان درآمد که است که از چرخه‌ها درآمد خانوارها خارج شده است و نصیب بنگاه‌ها شده است. مالیات
از چرخه‌ها درآمد خارج شده و نصیب بنگاه‌ها نمی‌شود. ولی از طرف دیگر این مدل درآمد که ما از یک مدل
درست‌تر می‌شود مثل مخارج دولت (دولت مخارجی را از یکجا تا این مالی می‌کند؟ از مالیاتی که از مردم می‌گیرد،
از طرف صادرات (از پولهای خارجی) ، از طرف مخارج سوسایه کنار کارکنان بنگاه‌ها وارد مدل می‌شود
آنجا که وارد مدل می‌شوند و تکرار می‌شوند

آنجا که از مدل خارج می‌شوند و تراوشات (از مدل درآمد که اقتصاد به بیرون تراوش می‌کند)

* اقتصاد در مدل است به میزان تراوشات آن با میزان تراوشات آن می‌تواند باشد

$C = S + X$ درآمد قابل تصرف: یعنی آن درآمد که مالیاتش پرداخت شده در تصرف من است و من
می‌توانم آن را مصرف کنم یا این اندازه کنم. (لا)

مالیات خرد تراوشات است زیرا که با مخارج دولت دارد و سود خرد ترزقات را ندارد
بعد از این آن است که به اندازه کی صحت خرج کن! دولت هر آنچه در مالیات دارد خرج کند تا آنجا که طالبان
تعداد خارج نشود. در هم نامتعالی است با تنظیم میزان ورودی و خروجی اقتصاد بر پایه تعادل برسان

* تولید صادرات محو در رشد اقتصاد را بهتر می کند (صحت می یابد)
برای ایران

* هر آنچه در دریاها بزرگ آب نشود می شود صادرات غیر رسمی (مجازی)

* منابع به دور است بگردد نیز در گداید نماندیر تقسیم می شوند در منابع گداید نیز در منابع مصنوعی می توانند آنها را تولید کنند
موردی برای صادرات نداریم. اما در منابع بگداید نماندیر باید صرف کنیم مثل صادرات خاک به (دبی)

* زیان اقتصاد هیچ وقت جز نیست، بجز در شرایطی که بخواهیم یک قدم به بالا صعود کنیم

* صفت ناشی از صادرات هم نصیب خانوارهای شود، هم نصیب نظام ها. پس رفاه حاصل اقتصاد را در بر می آورد. در هر
این برادری در یک شخص خلاصه می شود (یعنی است اما چاره ای ندارد) و در آمد سرانه هر نفر

| | | | |
|------------|-----------------|---|---------------------------------|
| ۱۴۵,۰۰۰ \$ | لبنیات استانبول | = | (سال ۲۰۱۰) |
| ۸۱,۰۰۰ \$ | تورامبورگ | | |
| ۷۲,۰۰۰ \$ | قطر | | |
| ۵۷,۰۰۰ \$ | سنگاپور | | |
| ۵۲,۰۰۰ \$ | ترکی | | |
| ۵۲,۰۰۰ \$ | کویت | | nationmaster.com |
| ۴۹,۰۰۰ \$ | ایرلند (۱۳) | | |
| ۴۵,۰۰۰ \$ | هندلند | | الآن باید بین ۴۰۰۰ تا ۵۰۰۰ باشد |
| ۱۱,۷۰۰ \$ | ایران (۹۱) | | |
| | بنگل | | |

سهم ۵۰٪ / ابلاغی جمعیت از مروت هر کشور (سال ۲۰۱۰)

۴۸٪ / برونز

۴۵٫۹٪ / اقتصاد جنوبی

۴۱٪ / آسیا

۳۳٫۵٪ / هند

۳۲٫۲٪ / ترکیه

۳۰٫۵٪ / چین

۲۰٪ / دانمارک → از متوسط کمتر است

۲۰٪ / سوئد

۲۰٫۵٪ / آمریکا

متوسط دنیا (۳۱٫۴ است)

عرضه کل = تقاضای کل

$$AD = AS$$

$$C + I + G + X = (Y) + M$$

$$Y + I + G + X = Y + S + T + M$$

$$I + G + X = S + T + M$$

ترازنامه ترازنامه

* در شرایط تعادل میزان ترازنامه و ترازنامه باید یکسان باشد (مساوی باشد) مساوی بودن الزامی نداشته

$$\begin{cases} I = S \\ G = T \\ X = M \end{cases} \text{ (البته الزامی ندارد X=M باشد)}$$

واسطه ای
↓
۲۸٪

سرمایه ای
↓
۱۰٪

M چیست؟ ۳ حالت دارد: مصرفی
↓
۱۵٪ برای ایران

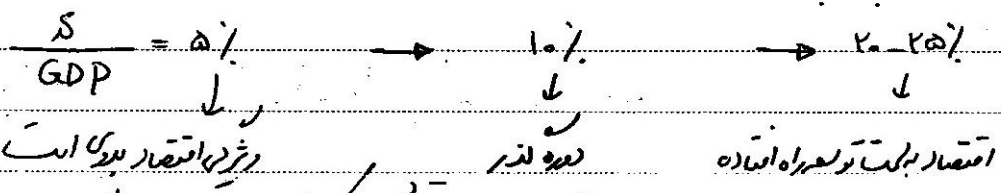
* واسطه‌ای یعنی عوامل تولید، مواد اولیه برای تولید.

* اگر واردات ما مصرفی است حتماً باید ترخیصات باشد.

* هر چه واردات ما سرمایه‌ای باشد به نوع خلقت است. بنابراین سهم سرمایه‌ای ما از بازه ۲۰ تا ۳۰٪ است. یا حتی بیشتر (سرمایه‌ای یعنی ماشین‌آلات، تکنولوژی، دانش فنی و...) سرمایه‌ای یعنی برای ما به تولید بیشتر است. حجم انداز آتی اقتصاد به یکی از طرفها که زیاد تر است. کمتر شدن سرمایه‌ای یعنی حجم انداز فنی از تولید وجود ندارد. واردات کالاها که سرمایه‌ای محدود شده یا اینکه در آن ما محدود در آنند.

* هر چه در سهم سرمایه‌ای بیشتر باشد، بهتر است.

* سرمایه‌گذاری از این انداز تا من می‌شود. اقتصاد که این اندازش بالا باشد می‌رود برای سرمایه‌گذاری. اگر نسبت بین انداز به کل GDP، ۲۰٪ باشد:



شاید، کسی به این جهت اشتباه
(اقتصادی فزاینده) (الان)

تشکیل این انداز تشکیل سرمایه‌گذاری است می‌شود

سرمایه (capital) $k \rightarrow I$ سرمایه‌گذاری

BOP (Balance of Payment) $X - M$ /
سرمایه و بازار هیچ کدام خوب نیست. ولی بازار داشتن خوب است، اداره کردن بازار هم تر از آن است

انحصار بین الملل ۹۲,۹,۴ جلب چشم
 کثرت چیز خلیه دفعه
 (خرید و فروش خارجی) (تولید خارجی)

$$Y = C + I + G + (X - M)$$

Consumption (تولید) = C
 مخارج سرمایه گذاری (تولید سرمایه گذاری) = I
 مخارج دولتی (تولید دولتی) = G
 تنوع آمدن کثرت (تولید کثرت) = (X - M)
 کثرت انحصار بین الملل (تولید انحصار بین الملل)

تایج مصرف: برای صادر طلب می توانیم مصرف مقدار ثابت است. نظر ملحق تایج مصرف صورت زیر است:

تایج مصرف دارای اجزای است: $C = C_1 + C_2$
 ۱. مصرف مستقل (مصرف مستقل) C_1
 ۲. مصرف تبعی (تایج از درآمد است) C_2
 مصرف مستقل از درآمد مستقل است. به زینت، نفت، رسم... مربوط می شود (در این است) (انفرانس یا کاهش درآمد
 بر مصرف این نوع کالا اثر کم ندارد) مثل آجل شب بیدار

* با درآمد مصرف هم می توانیم مصرف داشته باشیم به فرض و وام

Marginal Propensity to Consume or MPC or b_1 به معنی پتانسیل به مصرف
 از به درآمد قابل تصرف به درآمد که به حالت از این کم شده است و در مصرف خانوار است و خانوار اجازت
 مصرف را دارد دولت

* اثر یک واحد به درآمد فرد اضافه می شود، MPC مقدار به مصرف کل فرد اضافه می شود.

در خانوارها که به درآمد b_1 $C = \frac{1}{3} + \frac{2}{3}Y$
 مصرف مستقل مصرف تبعی
 مصرف $\frac{1}{3}$ مصرف $\frac{2}{3}Y$
 در خانوارها که کم درآمد b_1 $C = \frac{1}{3} + \frac{2}{3}Y$
 مصرف $\frac{1}{3}$ مصرف $\frac{2}{3}Y$
 (این مقدار از خانوار که به خانوار دیگر متفاوت است.)
 (تابکیت مصرف می کند به معنی ضعیف در خرج است)
 فیس بلان

کشورهای که توزیع نامطلوبی در آن دارند و در آنجا بسیار زیاد در اختیار عمده اند است به راحتی می توانند سرمایه گذاری انجام
شود در کشورهای که توزیع درآمد عادلانه است اول باید بین اندازه های کوچک جمع شوند و یک سرمایه گذاری
بزرگ را تشکیل دهد. مثل اوراق مشارکت (این اوراق می تواند از راه های جمع بین اندازها در جامعه است)

توزیع عادلانه بین انداز : به تأخیر انداختن مصرف

اول : طلایی است که از مصرف آن مطلوبت بیشتری است. (پول بی نفعی خویش طلای نقره . امتیلا با پایا به
داشتیم ، معاملات تجارت داشتیم . بی نفعی طلا نقره پول بود . بعدها پول کاغذی ابداع شد نهایتاً به پول
دیجیتال رسیدیم)

۳۰ ایران ۳۰ وظیفه را بجزئی انجام نداد ، پول خوبی نیست !

حریر پولی با ۳۰ وظیفه را انجام دهد : (۱) وظیفه مبارک به هر پولی با ۳۰ در معاملات شرکت نموده و طرفین آن
را قبول داشته باشند (۲) واحد شمارش دارائی ← وزن به کیلوگرم سنجیده می شود ، ساعت طلای نقره
به متر یا کیلو متر و ارزشش دارائی با پول سنجیده می شود (۳) وظیفه حفظ ارزش ← حریر پولی با ۳۰ ارزش خود
را طی زمان حفظ نماید ، یعنی اگر امروز یک مقدار مشخص پول ، طلای مشخص را خریداری نماید ، در آتی همان
خرید حداقل همان مقدار طلا یا همان میزان پول فراهم شود.

اگر پولی بی ارزش و نفعی را هم انجام ندهد بهش پول بد می گویند . بهر چه زمان پول خوب (۲) و وظیفه را انجام می دهد (هد) جای
پول بد را می گیرد و پول بد از چرخه خارج می شود

(نوع خارج از دایره به پول داغ (Hot Money) : پولی است که قوم بیس از حد دارد یعنی ارزشش به پول
کم می شود . در شرایط قوم تمام پولهای نقد ، پول داغ هستند.)

پول همانند طلا های دیگر بازار کار دارد . عرضه و تقاضا دارد . کنترل
عرضه پول : تولید پول ← دولت پول را تولید می کند . عرضه پول توسط دولت (بانک مرکزی) انجام می شود
اندازه تیرک پول = عرضه پول
برای همین عرضه پول نیازمند اندازه تیرک میزان پول در اقتصاد هستیم
موجود

کشورهای که توزیع نامطلوبی در آن دارند و در آمد بسیار زیاد در اختیار عمده کنند است به راحتی می توانند سرمایه گذاری انجام
شود در کشورهای که توزیع درآمد عادلانه است اول باید بین اندازه های کوچک جمع شوند و یک سرمایه گذاری
بزرگ را تشکیل دهد. مثل اوراق مشارکت (این اوراق می تواند از راه های جمع بین اندازه ها در جامعه است)

توزیع عادلانه بین اندازه : به تأخیر انداختن مصرف

پول : طلایی است که از مصرف آن مطلوبت بیشتری است. (پول بی نفعی خودش طلا نکرده. اتصال با پول
داشتیم، معاملات تجارت داشتیم. بی نفعی طلا نکرده پول بود. بعدها پول طاعتی ایجاد شد نهایتاً به پول
دیجیتال رسیدیم)

۳۰ ایران ۳۰ وظیفه را بجزئی انجام نداد، پول خوبی نیست!

حریر پولی با ۳۰ وظیفه را انجام دهد : (۱) وظیفه مبارزه با هر پولی با سه در میانات شلست نحوه و طرفین آن
را قبول داشته باشند (۲) واحد شمارش دارائی ← وزن به کیلوگرم سنجیده می شود، ساعت طلایه
به متر یا کیلو متر و ارزشش دارائی با پول سنجیده می شود (۳) وظیفه حفظ ارزش ← حریر پولی باید ارزش خود
را طی زمان حفظ نماید، یعنی اگر امروز یک مقدار مشخص پول، طلای مشخص را خریداری نماید، در آتی امکان
خرید حداقل همان مقدار طلا یا همان میزان پول فراهم شود.

اگر پولی بی ارزش و نفعی را هم انجام ندهد بهش پول بد می گویند. بهر چه زمان پول خوب (۲) و وظیفه را انجام می دهد (هد) جای
پول بد را می گزیند و پول بد از چرخه خارج می شود

(نوع خارج از دایره به پول داغ (Hot Money) : پولی است که قوم بیس از صدر دارد یعنی ارزشش به پول
کم می شود. در شرایط قوم تمام پولی نقد، پول داغ هستند.)

پول همانند طلاهای دیگر بازار کار دارد. عرضه و تقاضا دارد. کنترل
عرضه پول : تولید پول ← دولت پول را تولید می کند. عرضه پول توسط دولت (بانک مرکزی) انجام می شود
اندازه تیرک پول = عرضه پول
برای همین عرضه پول نیازمند اندازه تیرک میزان پول در اقتصاد هستیم
موجود

Money ← Currency → Deposit

$$M_1 = C + D$$

پول موجود
استفاده و سکه
در دست افراد
به میزان مقرر شده است
استفاده بیشتر باشد.

چاری
میزان سکه ها که در دست
دولت است اعتباری

دولت دار تمام الی هیچ مال
(در بانک - جاری)
سرمایه ها

(قرض الحسنه جاری و پس انداز)

$$M_2 = M_1 + \text{پول نقد}$$

پول نقد به عنوان مادی به پول نقد
تبدیل می شود

نقدشده همان پول نیست
 M_2

* پول بطور عام سند رسمی دولت (بانک مرکزی) به طایفه کی پول است

* طبق قانون هرگز ایران به بانک مرکزی برود، بانک مرکزی طبق ماده ۱ قانون پولی سال ۱۳۷۸ این

$$\frac{378,000,000}{10,000,000}$$

اطلاعاتش بدهد (شماره کی پول از این فرقی شده است)

* بانک مرکزی بدون این طلا احتیاجی نیست از پول ندارد

* ماده ۱۱ قانون پولی و بانکی می گوید که بانک مرکزی حداقل ۲۰٪ پول نقدی در وجهه دارد باید طلا داشته باشد

الباقی ذخایر اندکی داشته باشد، طلب خارجی داشته باشد، استراحت و اوراق کفالت داشته باشد

$$M_2 > M_1$$

* نقدشده اساساً بزرگتر از پول است

$$M_1 > M_2$$

مقدار نقدشده M_1 بزرگ تر است از مقدار نقدشده M_2

مقدار نقدشده نقدشده
مقدار نقدشده نقدشده

مقایسه‌ی این شاخص‌ها در سال با سال پایه موزون تورم است.

صفحه ۹:

شاخص فیشر ← F_t : میانگین هندسی شاخص یا ثابت شاخص لاسپیترز $F_t = \sqrt{L_t \cdot P_t}$

صفحه ۱۰:

شاخص لاسپیترز L_t : $\frac{\text{مقدار سال پایه ثابت به قیمت سال جاری}}{Q_t}$

شاخص لاسپیترز مخارج آیین مالاهاکی سال پایه مقایسه شود با مخارج آیین مالاهاکی سال پایه با قیمت جاری (شاخص لاسپیترز، شاخص این ثابت مرکزی استفاده کرده است)

$$L_t = \frac{P_1^t \cdot Q_1^0 + P_r^t \cdot Q_r^0 + \dots + P_n^t \cdot Q_n^0}{P_1^0 \cdot Q_1^0 + P_r^0 \cdot Q_r^0 + \dots + P_n^0 \cdot Q_n^0} \times 100$$

صفحه ۱۱: کدام شاخص لاسپیترز قیمت را محاسبه می‌کند؟

- آبر با قیمت های خرده فروشی محاسبه شود ← شاخص لای کالاها و خدمات مصرفی (CPI). یعنی قیمت کالاها و خدمات شاخص لاسپیترز با قیمت های خرده فروشی انجام شود پس CPI می گویند
- * آبر با قیمت های عمده فروشی محاسبه شود ← شاخص های عمده فروشی کالاها (PPI)
- * شاخص های عمده های صادراتی ← مخصوص کالاها که صادر می‌شوند (در یک تورم مورد بحث نیست) در تورم وارداتی با این شاخص کار داریم.

عمده کت مادی تورم ری CPI است.

صفحه ۱۲: CPI هم برای جامعه شهری و هم برای جامعه روستایی اندازه گیری می‌شود (جدولانه)

در این نمودار روند تغییر CPI را مشاهده می‌کنیم. بر طبق نمودار تورم مناطق روستایی نسبت به شهری پایین تر است.

صفحه ۱۳: انتظار داریم این تورم PPI پایین تر از CPI باشد. یعنی تغییرات قیمت عمده

فروش کمتر از خرده فروش باشد و بر طبق این مورد هم جای این موضوع نکات زده است! این توهم در خرده فروش هم اتفاق می افتد. هم رفتار خرده فروش هم هست.

صفحه ۱۴: ۳۵۹ عم ۶۴ در خانواده کوچک
۲۵ شهر با بیشترین میزان جمعیت

صفحه ۱۶: حرایم از زوده طاهای ۱۲ طایفه خورشان بنزیر گونه های تقسیم می شوند. - صفحه ۱۷
صفحه ۱۸: اگر بخش مسکن به خوبی کنترل نشود به تنهایی ۳۰۰ توهم جمع و چیزی شود (مسکن، آب، برق، قطار و سایر سوخت ها)

صفحه ۲۲: نقطه به نقطه - این نقطه از سال قبل باید نقطه مشابه از سال جاری مقایسه شود و طار
به سایر ریزها ندارد

صفحه ۲۳: ماه به ماه - در ماه از سال جاری با هم مقایسه می کنند
صفحه ۲۴: متوسط ۱۲ ماهه سال - مقادیر تری در این است - بخش توهم سال هم می نویسم
متوسط ۱۲ ماهه است. نرخ توهم در ۱۲ ماهه متوسط به ماه مورد نظر در سال جاری

* هر موقع روند ماه به ماه توهم نزدیک شد، توهم نقطه ای زیر توهم متوسط قرار می گیرد. و هر جا روند صعودی شد جای می شوند
* کشورها که توهم یافته تر هستند خورشان مله است. کشورهای صنعتی اقتصاد با ثبات دارند، تورسان
بسیار بهتر است. کشورهایی که فقیر یا اختیار می دهند (مثل کشورهای جدا شده از شوروی سابق) تورسان
بالا است. کشورهای در حال توسعه مثل چین و ترکیه تورسان بالاتر است. CIS

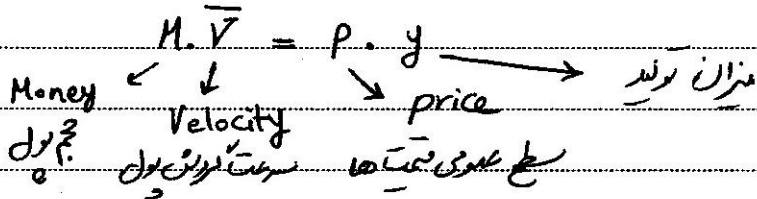
صفحه ۲۸: شوک درونی - مثل اتفاقی که برای اقتصاد ترکیه افتاد. این شوک حلقه است جواب
دهد و اقتصاد بیشتر خفت کند اما ممکن است تجربه ی کلان هم بدهد. رسیدن دلم در در واقع.

* اتحاد اقتصادی مقدمه ای بر اتحاد است. در هیچ کشوری توسعه آفاق نمی‌افتد. غیر از آنکه عدم تعادل باشد. ولی نتیجه‌ی تمام اینها تعادل است.

طب. دم ۹۲،۹،۲۵

پول یک مالای مصرفی است که با معرفی مطلوبیت نسبی بین پول مثل هر مال دیگری عرضه و تقاضا دارد. عرضه پول همان تقاضای پول است که در جامعه وجود دارد. پول با نقد شده تفاوت دارد. عرضه پول را باید مرکزی به بنیاد از فعالیت مردمی کند. تعاضد پول و مقدار پول مورد نیاز جامعه است. پول مورد نیاز جامعه چیزی است که چگونه آن را اندازه گیری می‌کنیم؟
تئوریک‌های مختلفی برای اندازه گیری تعاضد پول وجود دارد. ما تلاش را بر روی می‌کنیم.

تئوریک مدار پول: بیشتر پولون (ملکیت شیطانی) به دنبال این تئوریک هستند. به شرط زیر بیان می‌شود:



M: مقدار پول مورد نیاز اقتصاد

V: دفعات دست به دست شدن پول طی یک سال

$V=3$ یعنی یک واحد پولی در سال ۳ نوبت در معاملات شرکت می‌کند

سرعت گردش پولی معمولاً در میان مدت ثابت است

P: شاخص قیمت است. نماینده‌ی تورم است.

بنابر رابطه‌ی فوق است که می‌بینیم: افزایش نقدینگی موجب تورم می‌شود. یعنی برای بدهی تورم ریشه‌ی بی‌ساخته‌ی تئوریک پولون (ملکیت شیطانی) است. تورم یک بدهی پولی است.

سرعت گردش پول را در میان مدت ثابت در نظر می‌گیریم. بنابراین معمولاً افزایش (تورم) حجم پول با درجهت‌ها

خلاصه می شود یا تولید می شود از طرفت ها زیاد شود یا تولید را زیاد می کند یا تورم را زیاد می کند. وقتی تولید
 در آن زیاد شدن نداشته باشد، تورم زیاد می شود. و وقتی جلوی تورم را بگیریم، ممکن است تولید افزایش
 یابد. به عبارت دیگر هر آن است که افزایش نقدینگی را به سمت افزایش تولید سوق دهیم.

در دنیای پیشرفته استفاده از ظرفیتها بالا تر است. به عبارت دیگر تولید در کشورهای پیشرفته ثابت و بالا است.
 در کشورهای پیشرفته اشتغال کامل است. (برای آنکه تولید را زیاد کنیم باید ظرفیت تولید جدید ایجاد کنیم
 مثلاً طرح های جدید بزنیم). پولیون می روند در ریشه که تورم فقط و فقط پول است. یعنی افزایش
 نقدینگی چون تولید ثابت است، چون اشتغال کامل است، چون ظرفیتها کامل استفاده می شود
 در کوتاه مدت تورم افزایش پیدا می کند.

در کشورهای توسعه یافته اشتغال کامل است. این است که مهارت بالا است. مهارت بالا صرفاً نیروی انسانی نیست بلکه
 سرمایه و ظرفیت های تولیدی را هم شامل می شود. (یعنی به طور کامل از ظرفیت های تولیدی سرمایه استفاده نمی کنیم)
 ولی کشورهای صنعتی در همه موارد (نیروی انسانی، سرمایه، ظرفیت های تولیدی) اشتغال کامل دارند.

این در کشورهای صنعتی :

$$M \cdot \bar{V} = P \cdot \bar{Y}$$

 سرعت گردش پول و تولید در میان مدت ثابت فرض شده است. تولید ثابت نظریه کلاسیک است
 (چون از ظرفیت ها کامل استفاده می شود، تولید ثابت است).
 تغییرات پولی عمدتاً سریع به تغییرات اقتصادی جواب می دهند. (در اقتصاد ایران برای است) ر
 هرگونه تغییر حجم پول در تورم ظاهر می شود. (در کشورهای صنعتی) پس برای کنترل تورم باید نقدینگی را
 کنترل کرد.

در کشورهای در حال توسعه :

$$M \cdot \bar{V} = P \cdot \bar{Y} \Rightarrow \Delta M = \Delta P + \Delta Y$$

 یعنی تغییرات نقدینگی (پول) با تغییرات تورم به علاوه تغییرات تولید
 یعنی اگر حجم پول را زیاد کنیم یا تورم افزایش می یابد یا تولید. اگر به هر دو دلیل تولید نتواند افزایش یابد حتماً
 تورم افزایش چند برابر دارد.

انتخابات تورمی + تورم واقعی = تورم اسمی

در دنیای واقعی یک تورم ملایم برای تولید خوب است. اما نه تورم چهار رقمی!

بین درک ثابت: تورم معادله پول می تولید به بین حجم پول و معادله تولید در اقتصاد رابطی وجود دارد (M.V=P.Y) و معادله پول مورد نیاز از رابطی فوق تعیین می شود. اگر پولی که بانک مرکزی تزریق می کند بیش از نیاز باشد، موجب افزایش تورم می شود (چک پول در حجم پول است).

امروزه شیوه انری پول، تولید است. به میزان تولید مان باید پول ارائه باشیم. اگر بیش از تولید پول ارائه باشیم، تورم است.

تورم تورم برای تعاضای پول، تورم تعاضای پول زودگاه نیز است. نیز می بود افراد بخاطر ۳ انری تعاضای پول تعاضای کنند. افراد بخاطر این روز جزه و بیش بین شده و پول تعاضای کنند.

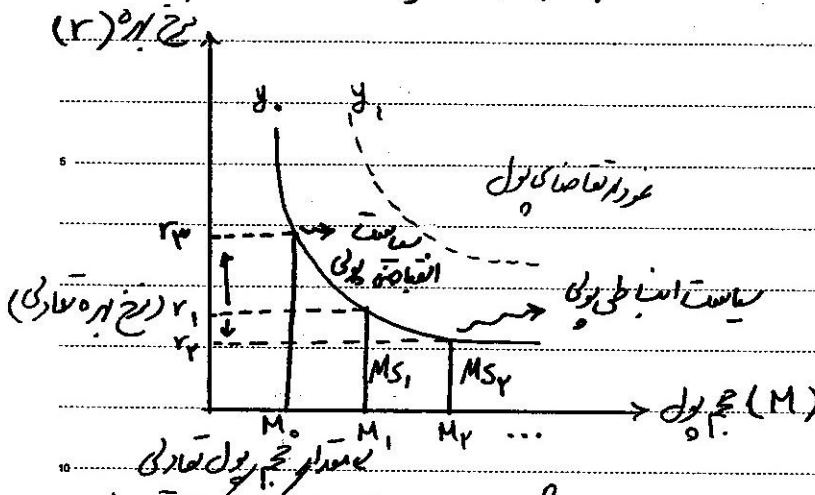
۱) انری معاملات: $M_1 = f(y)$ (بین تعاضای معاملات، تابعی است از درآمد) یعنی اگر درآمد فرد زیاد باشد، تعاضای معاملات پولی و کسب درآمد (در اینجا حرفی از خرج بهره نمی زنند، چون ارتباطی با خرج بهره ندارد نه انری خرج بهره صفر است) خرج بهره r

۲) انری احتیاطی تعاضای پول: افراد بخاطر نری احتیاطی بیش بین شده و پول را تعاضای کنند. کسب احتیاطی دارد که تعاضای احتیاطی پول هم تابعی است از درآمد $M_2 = g(y^+)$ یعنی درآمد زیاد شود، تعاضای احتیاطی پول هم زیاد می شود. طاری با خرج بهره نداریم (۳)

۳) انری سفته بازی: طرف پول را تعاضای کند برای آنکه یک سری معاملات را انجام دهد تا از محل آن معاملات سود کسب کند کسب منفی انری تعاضای پول است. $M_3 = k(r, y^+)$ M_3 تابعی است از خرج بهره. هر چه خرج بهره زیاد شود، تعاضای سفته بازی کم می شود (پول را در بانک سپرده می گذاریم). از خرج بهره بهره در بانک کم شود، هزینه نگهداری پول کمتر است پس فرد پول را این خود نمی دارد تا معاملات انجام دهد که از آن سود ببرد (مثلاً اوراق می خرد، طلا می خرد، انری خرج)

این بین ۲ و M_3 رابطی کلن وجود است. اگر درآمد زیاد باشد افراد بیشتر می توانند در معاملات سفته بازی شرکت کنند. رابطه ای مستقیم بین M_3 و M_2 داریم.

این لتری می‌لوند: $M = M_1 + M_2 + M_3 = S(y^+, r^-)$ تقاضای پول
 نرخ بهره رابطه منفی با تقاضای پول دارد \rightarrow رابطه مثبت با تقاضای پول دارد



نمودار تقاضای پول با نرخ بهره رابطه‌ی علی‌الحد دارد
 اگر درآید افزایش باید نمودار تقاضای پول باز
 $y_1 > y_2$ باشد مشتق می‌شود $(y_1 > y_2)$
 یعنی تقاضای پول مانند تمام بقی‌های تقاضا
 دگرطوری مثبت مشتق است.

تغیلات در بازار پول: تعادل از خود عرضه و تقاضا (پول) کلی می‌شود عرضه پول توسط بانک مرکزی تعیین می‌شود و رابطه با نرخ بهره ندارد. $(MS = عرضه پول)$

از خود نمودار تقاضای پول و MS (عرضه پول) نرخ بهره تعادلی بدست می‌آید. (نرخ بهره که خوب است در بازار نه مداخله می‌کند. منظور همین نرخ بهره است) از ر نمودار نشان مقدار حجم پول تعادلی بدست می‌آید. بالاتر از این مقدار، تمام است. همچنین نرخ بهره تعادلی بدست می‌آید. پائین تر از این نرخ، دستوری است. (بالاتر از این نرخ هم دستوری است و اقتصاد را به حجم می‌رساند)

اگر دولت تصمیم بگیرد حجم نقدی را افزایش دهد (MS_2) ، به این می‌گویند سیاست انبساطی پولی. در سیاست انبساطی پولی نرخ بهره کاهش پیدا می‌کند و می‌تواند حجم پول از M_1 به M_2 افزایش بدهد (مطابق نمودار بالا) یعنی از راه‌های کاهش نرخ بهره، افزایش عرضه پول است. (افزایش حجم پول، تورم به دنبال دارد.)

در اقتصاد کلاسیک می‌لوند: $M \uparrow \rightarrow r \downarrow \rightarrow I \uparrow \rightarrow y \uparrow$
 نرخ بهره سرمایه‌گذاری تولید

* اگر M زیاد شود، نرخ بهره کم می‌شود، سرمایه‌گذاری زیاد می‌شود، تولید زیاد می‌شود و افزایش تولید افزایش حجم پول را جذب می‌کند.

در سیاست انبساطی پولی هدف حمایت از تولید است. جهت افزایش تولید در شرایط اقتصاد در سیاست انقباضی حجم پول کم می‌شود، نرخ بهره افزایش می‌یابد، مقدار پول کم در اقتصاد کم می‌شود. سیاست

انقباض پولی عموماً برای چهار تورم اتفاق می‌افتد (در سیاست انقباضی پولی واحد تولیدکننده به مصیبت می‌افتد).
 یکی از ابزارهای مناسب سیاست انقباضی پولی، ادراک و شکر است. با فروختن اسناد خزانه بانکی،
 فروختن پیوره‌ها و ...

تغییر تعاضد پولی چند دولت دولت و بانک مرکزی است. تعاضد پولی در این مکانیزم به اثر است (بسیار افزایش)
 تعاضد پولی صرفاً نرخ بهره را بالا می‌کشد و بهرگونگی و اثری که تعاضد پولی ندارد.

10

15

20

25